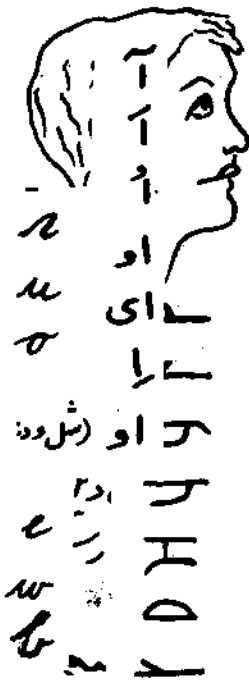


ایران کوده

شماره ۲

دبیره

ذبیح بهروز



دبیره
 ذبیح بهروز
 در ۱۰۰۰
 واژه‌ها و اصطلاحات
 حروف
 برای
 آسان
 آموختن
 و یاد گرفتن
 آن است



گنجینه زبان، فرهنگ و ادب کهن ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ذبیح بهروز

دبیره

چاپ این کتاب با سرمایه رستم معاونت
(شهمردان) توسط سازمان انتشارات فروهر انجام شد



کتاب : دبیره
نوشته : ذبیح بهروز
چاپ : رشديه
تعداد : هزار و پانصد نسخه
چاپ دوم : مهر ماه ۱۳۶۳

ایران کوده

شماره ۲

دبیره

ذبیح بهروز

صفحه ۵	دیباچه
۷	بخش اول: الفبا و آموزش اجباری
۱۰	رسم مقطع‌ها برای حروف يك الفبای نو
۱۳	حروف طبیعی و کتابی و تحریری
۱۵	چگونگی تلفظ و رسم مقطع و انتخاب حرف
۱۹	بخش دوم: الفبا در ایران
۲۰	مدارك تاريخی راجع به الفبا در ایران
۲۶	تجوید در ایران و هند
۲۷	تجوید بعد از اسلام
۳۱	مخارج حروف هجا
۳۸	موسیقی در ایران
۴۱	ترتیب حروف الفبا
۴۴	دیوان و خط کوفی
۴۷	مقایسه حروف کوفی با اوستا
۴۸	تغییر ترتیب حروف و شیوه خط
۵۰	اسامی حروف
۵۴	ارقام هندسی یا دیوانی
۵۷	مقطعهای اصلی حروف الفباهای ایران
۶۸	ویسپ دبیره
۷۰	بخش سوم: الفبا در اروپا
۷۴	مقطعهای حروف فنیقی
۷۶	ملاحظات
۷۹	پایان
۸۰	فهرست راهنمای نامها

اگر پرده پذیر صوفیان دوروی دام گستر را که حرف درویشان و نکته عارفان بسته اند آن بی حیایان بر زبان از پیش بردیم در پس آن پرده تیره قام دبستان درغشای بنام پهلوی خواهیم دید که پایگاه بلند سخوی آن ورای مدرسه و قیل و قال و مسأله است.
شاگردان آن دبستان باستانی در باره روش فرهنگ نو آموزان سخنها و اندرزهای شگفت آوری دارند که نمونه ای از آن اینست:
۱- آموزش با اجبار زبان دارد.
درس ادیب اگر شود ز مزه محبتی جمع بکتاب آورد طفل گریزای را.
۲- آموزش باید از راه نظر و معنی و اشراق باشد نه ز تکرار و کتاب و نه هنر.
۳- علمی از قبیل صرف و نحو و فقه و منطق و حکمت الهی بیهوده است. بشوی اوراق اگر هم درس مانه.
۴- مدرسه مردم را خسته و کودن و سنگدل میکند. ز گوی مدرسه حافظ مجوی گوهر عشق برون خرام اگر سبیل جستجو داری.
این سخنان دلغزیب که جز ایمان بدرستی آن دلیل دیگر نداشت از دیر زمانی مرا مجذوب کرده بود و میکوشیدم تا شاید بتوانم بوسیله ربط شکل حرف با صدا و دلالت لفظ بر معنی راه آسانی برای تعلیم

نو آموزان پیداکنم که به حفظ و تکرار و اجبار و هنر آموزگار و سازمانهای
 عربی و طویل فرهنگی کنونی چندان احتیاجی نداشته باشیم.
 از چند سال پیش و مخصوصاً پس از نخستین آزمایشات تعلیم خواندن
 روزانه های امیدی پدیدار گردید و همچنین پس از تحقیقات دقیق معلوم
 شد زبان پارسی که از هنگامهای صرف و نحو و بندهای تکلیف و تعریف
 و مخصوصاً مذکور و مؤنث و غنشی و افسانه های سماع و شواذ و اشکالات
 طاقت فرسای اطلاق برکنار و آزاد است تنها زبانی است که در آن
 میتوان رابطه میان لفظ و معنی را برقرار داشت.

این رساله مختصر فقط راجع به الفبا که کلید فرهنگ است بحث
 میکند. سه سال پیش رساله مخفّری بنام «خواندن و نوشتن
 در دو هفته» منتشر کردیم. امید است در آینده رساله های
 دیگری در تکمیل این دو رساله و همچنین در موضوع زبان فارسی و
 تعلیم ریاضی و خط و رسم که سه ستون دیگر از چهار ستون کاغذ فرهنگ
 و دانش بشمارند پس از آزمایشهای دقیق که بزودی انجام
 خواهد یافت منتشر سازد.

الفبا و آموزش اجباری

کودک تا شش سالگی هزاره کلمه را با سماعی دقیق و بکار بردن
 آنها را در جمله می آموزد و همچنین چند زبان را با تلفظ صحیح بی آموزگار و
 اجبار از اطرافیان خود میتواند یاد بگیرد. در واقع اگر در این مرحله کوتاه
 زندگانی کودک درست دقت کنیم می بینیم که او تا شش سالگی میتواند
 به آسانی معلوماتی را کسب کند که سعادتمند و نظیر آنرا حتی با کوشش زیاد
 نمی تواند بعد از این سن در مدت مدیدی کسب نماید. حال باید از خود
 پرسیم چه علتی دارد که همین کودک قبل از شش سالگی نمی تواند به
 آسانی حتی شروع به فرا گرفتن الفبا کند؟ آیا فی الحقیقه بیاد سپردن
 بیت و چند حرف تا این اندازه سخت است و یا اینکه علت مرموز
 دیگری وجود دارد؟

اگر کسی کودکان سه ساله ایرا ببیند که در مدت دقائق کمی با
 بازی و خنده و دست زدن خواندن را می آموزند برای او ثابت خواهد
 شد که این علت ناشی از نقص الفبای قراردادی جهان است
 وگرنه کودک بهمان آسانی که سخن گفتن را به چند زبان می آموزد خواندن را
 هم از کسان خود و کودکان دیگر در هنگام بازی میتواند بیاموزد.
 بزرگترین عیب الفبای جهان اینست که شکل حرف با صدا و
 وضع دهان بستگی ندارد یعنی معلوم نیست بچه دلیل اشکال حروف را
 برای صداها قرار داده اند. این عیب که چندان بی اهمیت به نظر آید
 که تاکنون کسی آنرا قابل توجه ندانسته است بزرگترین مانع نشر
 فرهنگ در میان بشر میباشد.

خلاصه چون اشکال حروف الفبا قراردادی و غیر منطقی است

باید خواندن و نوشتن را فقط و فقط از راه تکرار یاد گرفت.
 هر موضوعی که آموختن آن جز تکرار راه دیگری نداشته باشد
 وقت طولانی و آموزگاران ورزیده و سازمانهای عربی و طولی
 فرهنگی و سن مقتضی برای تحمل مشقات تکرار و بخاطر سپردن دروس
 لازم دارد و بسی اتفاق می افتد که با وجود فراهم بودن همه این
 وسائل کوشش معلّم و متعلّم مفید واقع نمیشود و در این صورت
 گناه را استوجب استعداد فطری دانش آموز میسازند.

همچنین بواسطه عینب الفباء چندین سال از بهترین سالهای
 زندگانی کودک پیش از سن مقتضی برای دبستان و بعد از سن
 مقتضی برای دبستان بهیوده تلف میشود. زیرا که قبل از
 شش یا هفت سالگی کودک صبر و طاقت نشستن ساعتها در
 کلاس ندارد و اگر او را مجبور به این کار کنیم قوای جسمی و روحی
 او را زیان کلتی میرساند و وقتیکه رشد جسمانی او برای رفتن
 دبستان مناسب شد استعداد تمیز اصوات که کلید خواندن
 و نوشتن است در او رو به نقصان میگذازد و بسجّتی و گندی
 پیش میرود.

تا قبل از قرن گذشته در سراسر جهان فقط عده محدودی
 که وسائل تحصیل و وقت مساعد داشتند موفق میشدند که سواد
 پیدا کنند ولی اکثریت مردم روی زمین که در میان ایشان
 عده بسیاری باهوش و مستعد یافت میشد بواسطه نداشتن
 وسائل تحصیل و وقت کافی و دور بودن از شهرها بیسواد و بیچاره
 مانده و عمری در ظلمات نادانی بسر میردند.
 مدتی است در اروپا و امریکا برای نشر فرهنگ آموزش

اجباری را با تحصیل فحاج گزافی بر بودجه کشور بصورت قانونی در آورده اند.
 با آنکه در برخی از این کشورها با بیسوادی سخت مبارزه میکنند هنوز
 ملیونها بیسواد در هر گوشه و کنار اروپا و امریکا موجود است که از
 فرا گرفتن آموزش اجباری گریزان میباشند.

برای رفع کلیه نواقص و اشکالات و برانداختن فکر آموزش
 اجباری در جهان سخاوتهم طریقه ساختن الفباء را با کمال اختصار
 بیان کنیم که دارای امتیازات ذیل باشد:

- ۱- کودکان همان وقتیکه شروع به سخن گفتن میکنند خواندن را بیاموزند.
- ۲- یاد دادن آن کار شناسی نخواهد یعنی کودکان بتوانند آنرا
 بهم یاد دهند.
- ۳- برای یاد گرفتن آن استعداد مخصوص لازم نباشد.
- ۴- بیسوادان در چند روز با سواد شوند.
- ۵- با سوادان در چند دقیقه آنرا بیاموزند.
- ۶- حروفش ساده و متناسب و زیبا و کم پیچ و خم باشد.
- ۷- در تحریر شکل حروفش تغییر کلی نکند.
- ۸- نقطه و خط و مد و علامات قرار داری نداشته باشد.
- ۹- برای هر صدائیکه از دکان بیرون میاید بتوان حرفی
 ایجاد کرد.
- ۱۰- زمانها و لایحه را در صورت کاطری بتوان با آن
 ضبط کرد.



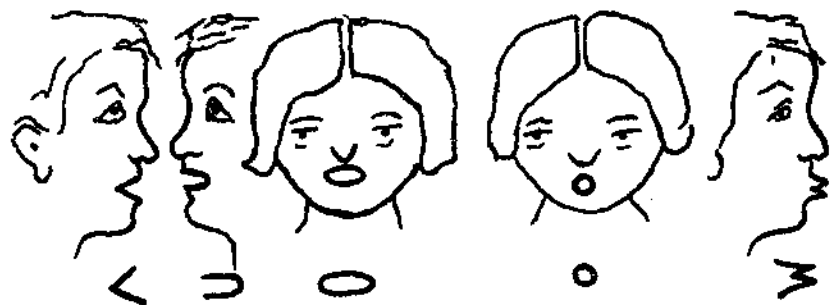
۱۰
رسم مقطع‌ها برای حروف
یک الفبای نو

حال فرض میکنیم الفبای نو برای نوشتن نداریم و میخواهیم الفبای کالمی که دارای امتیازهای مذکور باشد بسازیم. بطور نمونه اول الفبای نو برای زبان فارسی میسازیم.

آسانترین راه برای پیدا کردن حروف این الفبا این است که به بنیم کدام یک از اعضاء در تلفظ یک صدای معین دخالت نمایان دارد تا شکل مقطع همان عضو را در حالت تلفظ برای آن حرف رسم کنیم. ولی چون تلفظ یک صدا برای تشخیص فرج آن و تعیین عضو نمایان و رسم شکل مقطع عضو و انتخاب یکی از چند مقطع را برای صدای معین بدون سابقه آسان نیست بهترین است ابتدا به بنیم چند شکل مختلف ساده از لب و سوراخ نمایان بینی و دندان و زبان و گلو و غیره که فرج و سازنده صدا هستند میتوان رسم کرد تا بعد ارجاع به ارتباط آنها با صدا دستور کلی بیان نماییم.

(۱) لب

بخش مقطع مختلف از دو لب



۱۱
سه مقطع از لب بالا



(۲) سوراخ بینی

یک مقطع از سوراخ نمایان بینی (روبرو): \llcorner

(۳) دندان

بخش مقطع از دندانها

دو دندان روی هم (نیزخ): \llcorner

دو دندان روی هم (نیزخ) و قسمتی از سق بالا: \llcorner

دو دندان پهلوئی هم (نیزخ): \llcorner یک دندان (نیزخ): \llcorner

دو دندان پهلوئی هم (روبرو): \llcorner

(۴) لب و دندان

دو مقطع از لب و دندان

یک دندان بالا روی لب پایین (نیزخ): \llcorner

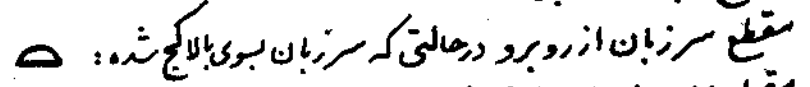
دو دندان بالا روی لب پایین (روبرو): \llcorner

(۵) زبان

بخ مقطع از زبان

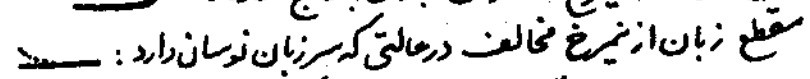
(یک خط راست همیشه مقطع زبان است.)

مقطع زبان از روبرو: —

مقطع سرزبان از روبرو درحالتی که سرزبان بسوی بالا کج شده: 

مقطع زبان راست از نیم رخ: —

مقطع زبان از نیم رخ که سرش بسوی بالا کج شده: 

مقطع زبان از نیم رخ مخالف درحالتی که سرزبان نوسان دارد: 

این حالت در هنگام تلفظ (ر) غلیظ کشیده در زبان

فارسی پیش می آید.

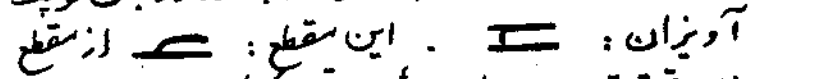
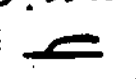
(۶) زبان و کام

(زبان در زیر کام که آنرا سق یا سقف نیز گویند قرار دارد و وضعیهای

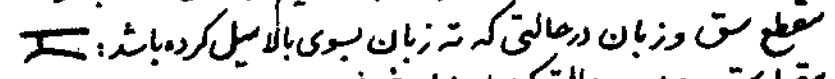
مختلف بخود میگیرد ولی کام و وضعش همیشه ثابت است.)

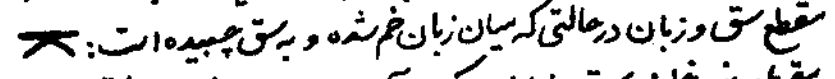
در مقطعی ذیل خط بالا کام و خط زیرین زبان است.

مقطع سق و زبان درحالتی که هر دو موازی باشند و زبان کوچک

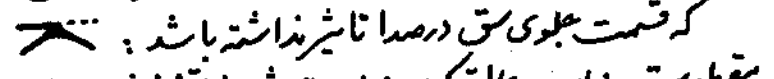
آویزان:  این مقطع:  از مقطع

بالا دقیق تر است ولی بالاتر برای تعلیم کودکان مناسب تر.

مقطع سق و زبان درحالتی که ته زبان بسوی بالا میل کرده باشد: 

مقطع سق و زبان درحالتی که میان زبان خم شده و به سق چسبیده است: 

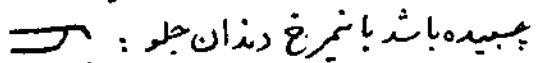
مقطع نیمه خلفی سق با زبان که به آن چسبیده و این حالتی است

که قسمت جلوی سق در صدا تاثیر نداشته باشد: 

مقطع سق و زبان درحالتی که سرزبان پیش از تلفظ صدا بسق

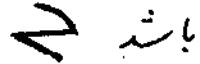
چسبیده باشد: 

مقطع سق و دندان درحالتی که سرزبان پیش از تلفظ صدا به سق

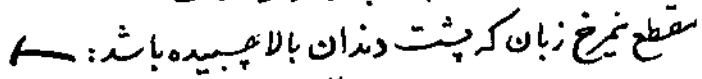
چسبیده باشد با نیم رخ دندان جلو: 

(۷) زبان و کام و خیشوم

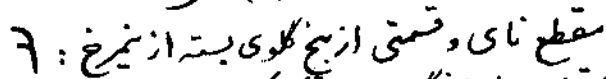
مقطع سق و زبان و خیشوم درحالتی که سرزبان به سق چسبیده

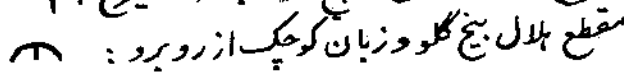
باشد: 

(۸) زبان و دندان

مقطع نیم رخ زبان که پشت دندان بالا چسبیده باشد: 

(۹) گلو

مقطع نای و قسمتی از بیخ گلو بسته از نیم رخ: 

مقطع هلال بیخ گلو و زبان کوچک از روبرو: 

(مقطع های دیگر تا اینجا رسم شد فقط برای تلفظ فارسی است. برای

تلفظ های دیگر مقطعیهای بسیار دیگری میتوان رسم نمود.

حروف طبیعی و کتابی و تحریری

در نتیجه آزمایشها معلوم شد که برای تعلیم نوآموزان و چاپ

و تحریر سه قسم حروف طبیعی و کتابی و تحریری لازم است.

حروف طبیعی از روی مقطعیهای دندان گرفته میشود و فقط

برای تعلیم نوآموزان و نشان دادن ارتباط صدا و شکل در

دو هفته اول بکار میرود.

حروف چاپی همان حروف طبیعی است که برای زیبایی

ترکیب کلمات برخی از آنها را نود درجه بر است و یا بچپ

۱۴
 میچرخانیم و اینکار کمترین تمجیلی بر زمین نو آموزان نخواهد داشت و این عمل در آزمایش ثابت شده است.
 حروف تحریری نیز از روی حروف کتابی گرفته میشود.
 برای نوشتن کلمات فارسی بیت و نه حرف یا شکل مقطع لازم است. در جدول ذیل مقطعی را که در بالانسان دادیم در مقابل الفبای کنونی رسم میکنیم.

تحریری	کتابی	طبیعی	۱-۱-۱
۲	۸	۷	۱-۱-۱
۳	۹	۸	۱-۱-۱
۴	۱۰	۹	او
۵	۱۱	۱۰	ای
۶	۱۲	۱۱	۱-۱-۱
۷	۱۳	۱۲	او (شکل و درجه)
۸	۱۴	۱۳	۱-۱-۱
۹	۱۵	۱۴	۱-۱-۱
۱۰	۱۶	۱۵	۱-۱-۱
۱۱	۱۷	۱۶	۱-۱-۱
۱۲	۱۸	۱۷	۱-۱-۱
۱۳	۱۹	۱۸	۱-۱-۱
۱۴	۲۰	۱۹	۱-۱-۱
۱۵	۲۱	۲۰	۱-۱-۱
۱۶	۲۲	۲۱	۱-۱-۱
۱۷	۲۳	۲۲	۱-۱-۱
۱۸	۲۴	۲۳	۱-۱-۱
۱۹	۲۵	۲۴	۱-۱-۱
۲۰	۲۶	۲۵	۱-۱-۱

تحریری	کتابی	طبیعی	۱۵
۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵
۶	۶	۶	۶
۷	۷	۷	۷
۸	۸	۸	۸
۹	۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
۱۷	۱۷	۱۷	۱۷
۱۸	۱۸	۱۸	۱۸
۱۹	۱۹	۱۹	۱۹
۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
۲۱	۲۱	۲۱	۲۱
۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۲۴	۲۴	۲۴	۲۴
۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
۲۶	۲۶	۲۶	۲۶
۲۷	۲۷	۲۷	۲۷
۲۸	۲۸	۲۸	۲۸
۲۹	۲۹	۲۹	۲۹
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
۳۱	۳۱	۳۱	۳۱
۳۲	۳۲	۳۲	۳۲
۳۳	۳۳	۳۳	۳۳
۳۴	۳۴	۳۴	۳۴
۳۵	۳۵	۳۵	۳۵
۳۶	۳۶	۳۶	۳۶
۳۷	۳۷	۳۷	۳۷
۳۸	۳۸	۳۸	۳۸
۳۹	۳۹	۳۹	۳۹
۴۰	۴۰	۴۰	۴۰
۴۱	۴۱	۴۱	۴۱
۴۲	۴۲	۴۲	۴۲
۴۳	۴۳	۴۳	۴۳
۴۴	۴۴	۴۴	۴۴
۴۵	۴۵	۴۵	۴۵
۴۶	۴۶	۴۶	۴۶
۴۷	۴۷	۴۷	۴۷
۴۸	۴۸	۴۸	۴۸
۴۹	۴۹	۴۹	۴۹
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
۵۱	۵۱	۵۱	۵۱
۵۲	۵۲	۵۲	۵۲
۵۳	۵۳	۵۳	۵۳
۵۴	۵۴	۵۴	۵۴
۵۵	۵۵	۵۵	۵۵
۵۶	۵۶	۵۶	۵۶
۵۷	۵۷	۵۷	۵۷
۵۸	۵۸	۵۸	۵۸
۵۹	۵۹	۵۹	۵۹
۶۰	۶۰	۶۰	۶۰
۶۱	۶۱	۶۱	۶۱
۶۲	۶۲	۶۲	۶۲
۶۳	۶۳	۶۳	۶۳
۶۴	۶۴	۶۴	۶۴
۶۵	۶۵	۶۵	۶۵
۶۶	۶۶	۶۶	۶۶
۶۷	۶۷	۶۷	۶۷
۶۸	۶۸	۶۸	۶۸
۶۹	۶۹	۶۹	۶۹
۷۰	۷۰	۷۰	۷۰
۷۱	۷۱	۷۱	۷۱
۷۲	۷۲	۷۲	۷۲
۷۳	۷۳	۷۳	۷۳
۷۴	۷۴	۷۴	۷۴
۷۵	۷۵	۷۵	۷۵
۷۶	۷۶	۷۶	۷۶
۷۷	۷۷	۷۷	۷۷
۷۸	۷۸	۷۸	۷۸
۷۹	۷۹	۷۹	۷۹
۸۰	۸۰	۸۰	۸۰
۸۱	۸۱	۸۱	۸۱
۸۲	۸۲	۸۲	۸۲
۸۳	۸۳	۸۳	۸۳
۸۴	۸۴	۸۴	۸۴
۸۵	۸۵	۸۵	۸۵
۸۶	۸۶	۸۶	۸۶
۸۷	۸۷	۸۷	۸۷
۸۸	۸۸	۸۸	۸۸
۸۹	۸۹	۸۹	۸۹
۹۰	۹۰	۹۰	۹۰
۹۱	۹۱	۹۱	۹۱
۹۲	۹۲	۹۲	۹۲
۹۳	۹۳	۹۳	۹۳
۹۴	۹۴	۹۴	۹۴
۹۵	۹۵	۹۵	۹۵
۹۶	۹۶	۹۶	۹۶
۹۷	۹۷	۹۷	۹۷
۹۸	۹۸	۹۸	۹۸
۹۹	۹۹	۹۹	۹۹
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

برای اینکه خوانندگان بتوانند رابطه هر یک از مقطعی را با صدای آن بهتر و دقیق تر تحقیق کنند اصولی را که در مدت چند سال گذشته اساس بحث و آزمایش قرار داده و سه سال پیش آنرا بچاپ رسانیدیم در ذیل میاوریم.

چگونگی تلفظ و رسم مقطع و انتخاب حرف

۱- هرگاه بخواید حرفی را تلفظ کنید در جلوی آن آ بگذارید و هر دورا با هم بسیار غلیظ و شدید و با درنگ چندین بار تلفظ کنید.

تا وسیع لب و دندان و زبان و غیره را برای رسم تقریبی مقطع حرف صحن
 نمایند. (هنگام تلفظ آهیتوان دمان را کاملاً باز کرد و در فارسی
 زبان را آزاد و بیچار گذاشت. پس وقتی که حرف دوم غلیظ و با درنگ
 تلفظ شود وضع لب و دندان و ... بخوبی صحن میگردد.)

۲- هر عضو یک در تلفظ حرف نمایان تر است شکل همان عضو را
 در حالت تلفظ برای حرف رسم میکنیم.

۳- هرگاه دو یا سه حرف با یک عضو تلفظ شود برای داشتن اشکال مختلف
 شکل آن عضو را در حالت تلفظ از روبرو یا منفرجه راست یا چپ رسم میکنیم.

۴- اگر برای یک حرف چند مقطع بتوانیم رسم کنیم آن شکلی را که برای تحریر
 مناسب تر و نزدیک بحرف یکی از الفبای معمولی جهان است و
 میتوان با آن تغییرات صداهای همجنس را بهتر نشان داد ترجیح میدیم.

در ذیل چند کلمه فارسی را با سه خط برای نمونه میداریم:

طبیعی	کتابی	تحریری
باغ	BAG	bag
گاد	GAD	gad
زور	ZOR	zor
خوک	HOX	hox
هیج	HIC	hiy
فاش	FASH	fru
دست	DUCT	suct
چو	YOW	yow
نشم	NUM	num

همزه

برای نوشتن کلمات فارسی گاهی به همزه احتیاج پیدا میشود.
 چون تلفظ همزه از ته گلو و نزدیک مخرج را (E) میباشد مقطع آنرا
 نیز از ته گلو به این شکل E میگیریم. این مقطع حالت قطع صد را
 هنگام تلفظ همزه نشان میدهد و مقطع بسیار دقیق ترش باید
 به این صورت باشد E که شرح آن بعداً داده خواهد شد.

کلمات لعل و شعر و مسئول را اینطور خواهیم
 نوشت: LUEL WEET MUCEOL
 luel weet muceol

الفبای که تا اینجا داده شد فقط برای زبان فارسی است
 ولی برای ضبط حروف مخصوص تلفظ عربی (که نظیر آنها نیز
 در برخی زبانهای ایران مانند کردی یافت میشود) و یا کلمات
 عربی که در فارسی بکار میروند بعداً شرح داده خواهد شد.

پایان بخش اول

چنانکه ملاحظه شد حروف این الفباء از روی خواب و خیال و یا اشکال واهی حیوانات گرفته شده بلکه هر حرفی مستقلاً شکل مقطع صدائی میباشد و پس از آزمایشهای عملی بسیاری انتخاب شده بطوریکه تمام تغییرات یک صدائی را بتوان با آن نشان داد. بهترین شاهد حسن انتخاب حروف همانا کودکان سه ساله میباشد که در ظرف دقایق کمی با بازی آنها را میآموزند.

راجع به طریقه تعلیم این الفبا و تاثیر وضعیت چشم در آموختن آن و جزئیات رسم و انتخاب هر یک از حروف رساله جداگانه ای چاپ خواهد شد.

در اینجا نیز مانند کرسی که با طریق تعلیم و حروف این الفبا میتوان لالان و گنگلان و مخصوصاً کودکان را در اندک مدتی به آسانی بخواندن و نوشتن آشنا کرد.

بخش دوم

الفبا در ایران

یکی از بزرگترین اختراعات انسانی الفباست و مردم جهان از دیرزمانی بی به اهمیت این اختراع بوده و مخصوصاً در قرن اخیر متوجه بدانند که الفبا را کمی و کجا چگونه اختراع کرده است. در تواریخ برخی از اقوام راجع به پیداشدن الفبای ناقص خود افزانه های آلوده خواب و خیال و معجزات و تعصبات ملی ملاحظه میشود.

اخیراً هم عده ای از روی قیاس با خط مصری و چینی و اسناد به برخی مدارک مشکوک حدسیات را راجع به الفبا نوشته اند که هر حدیسی حدس و تحقیقات تازه تری متزلزل ساخته است. در هر صورت ما در اینجا نمیخواهیم چیزی را راجع به آن اختلافات بنویسیم ولی از ذکر ملاحظه مهم ذیل که تا بحال مورد توجه محققین نبوده ناگزیریم. چون چینی ها و مصریهای قدیم اصول خطشان بر رسم اشکال بوده توانسته اند از روی آن اصول اشکال بسیاری برای رفع احتیاج خود رسم کنند و بکار برند.

اگر اقوامی که الفبا را از روی حدس به آنها نسبت میدهند طریقه ای از خود برای ایجاد حروف داشتند آنها هم مانند مصریها و چینی ها حروفی را که احتیاج داشتند میتوانند رسم کنند و بکار برند. زیرا کسی که فکرش بجائی میرسد که از گاو و خانه و شتر و یا بعقیده دیگری از باز و کلاغ و تحت حروف بسازد چگونه در مدت قرنهای بسیار از اضافه کردن چند حرف مخصوص بزبان خود عاجز میماند؟ حروفی که الفبای این اقوام ناقص دارد

همان صروفی است که تلفظشان مخصوص زبانهای آنهاست.
 با وجودیکه در مدت سیزده قرن تعصبات دینی و نژادی و
 پندهای قوی خارجی از غارتگری و محو آثار و قتل عام و ویرانی شهرها
 و سوزاندن کتابخانهها و حذف و تغییر و جعل نصوص و مدارک
 تاریخی چیزی فروگذار نکرده است باز ملاحظه میشود که تاریخ الفبا در
 ایران بسیار روشن است و هر کس چه در قدیم و چه در قرن اخیر
 چیزی راجع به الفبا نوشته و یا تحقیق کرده تصدیق نموده که کاملین
 الفبای جهان الفبای اوستاست و در میان خطوط سبخی تنها
 خط سبخی فارسی بصورت الفبای نسبتاً کاملی درآمده است.
 اکنون در ذیل به نقل برخی مدارک تاریخی راجع به الفبا
 و تجوید و موسیقی و ارتباط آنها با هم میپردازیم.

مدارک تاریخی راجع به الفبا در ایران

ترجمه از کتاب التنبیه والاشراف سعودی که در حوالی ۳۴۵
 هجری تألیف شده است:

« زردشت کتاب اوستای محروف خود را آورد و عدد
 سوره های آن بیست و یک بود و هر سوره ای در دو بیت
 ورق و عدد حروف و اصواتش شصت حرف و صوت
 و هر حرف و صوتی شکل جداگانه ای داشت و از
 آنها حرفی تکرار و حرفی استقاط میشوند زیرا که

مخصوص زبان اوستا نیست^(۱). این خط را زردشت اعداد
 کرده و مجوس آنرا دین دبیره میگویند. «
 و زردشت خط دیگری اعداد کرد که مجوس آنرا کسب
 دبیره یعنی خط کلی میگویند و با این خط لغات امم دیگر
 و صدای حیوانات و طیور و غیره را مینویسند. عدد حروف
 و اصوات این خط ۱۶۰ حرف و صوت است و هر حرف
 و صوتی صورتی جداگانه دارد. در خطوط امم دیگر
 خطی که دارای حروفی بیشتر از این دو خط باشد نیست
 زیرا که حروف یونانی که اکنون آنرا رومی میگویند بیست
 و چهار حرف دارد و در آن ح خ ع ه ذ ص
 وجود ندارد^(۲)»

« فارسیان غیر از این دو خط که زردشت آنرا اعداد
 کرد پنج خط دیگر دارند. برخی از این خطها در آن
 کلمات نبطی داخل و در برخی داخل نمیشود. »

(۱) این تصریح سعودی اهمیت زیاد دارد زیرا که در قرائت یا با آهنگ
 خواندن کتب دینی برای مراعات آهنگ حروفی تکرار یا استقاط میشود
 که مربوط به اشتقاق و اصل کلمه نبوده است و همین عمل در قرائت
 قرآن مشاهده میشود. بواسطه عدم توجه به این تصریح بسیاری از
 محققین دچار اشکالات عمدی و سهوی در کلمات اوستا شده اند.
 (۲) این حروف که در علم اشتقاق اهمیت بسیار دارد از چند
 نسخ نقل شد.

نقل از مروج الذهب مسعودی :

« زردشت پورا سپتمان از اهل آذربایجان بود
 و او پنجاه و پنج سوس است و کتاب معروف را که عوام آنرا
 زمنومه گویند و مجوسان آنرا ابستا می نامند آورد.
 حروف معجم این کتاب که او برای ایشان آورد دشت
 حرف معجم دارد. در حروف زبانهای دیگر حروف معجم
 بیشتر از این نیست. »

ترجمه از کتاب التنبیه علی حدوث التصحیف تألیف حمزه
 اصفهانی که وفات او را از ۳۵۰ تا ۳۶۵ هجری نوشته اند :
 « مهترین کتابتهای مردم جهان از لشکان شرق و
 غرب و عرب و جنوب دوازده کتابت است و آن
 عربی حمیری فارسی عبرانی سریانی یونانی رومی
 قبطی بربری اندلسی هندی چینی است. پنج از
 آنها استعمالش منجمول و باطل شده و کسانیکه آنها را
 میدانستند از میان رفته اند و آن حمیری و یونانی
 و قبطی و بربری و اندلسی است. سه از آنها در
 کشورهای خود استعمالش باقی است و کسی در بلاد
 اسلامی نیست که آنها را بداند و آن رومی و هندی
 و چینی است. و چهار از آنها در دست است که
 در کشورهای اسلامی مستعمل میباشد و آن عربی و
 فارسی و سریانی و عبرانی است. »
 « اما کتابت عربی یک نوع دارد و در آن تفنن نیست

فقط خط قلمهای آن در حال تجوید و تعلیق تغییر میکنند.
 ولی کتابت فارسی متنوع است و دارای هفت فن
 میباشد که محمد موبد معروف به ابو جعفر منوکللی
 [۲۵۰ هجری] ذکر کرده است. به گمان او فارسبان
 در هنگام پادشاهی خود با هفت کتابت اراده گوناگون
 خود را تجزیه میکردند و نامهای آنها اینست : آم دفیره
 کشته دفیره نیم کشته دفیره فرورده دفیره راز دفیره
 دین دفیره [وسف دفیره]. معنی آم دفیره
 کتابت عامه است معنی کشته دفیره کتابت
 تجزیه یافته است معنی نیم کشته دفیره کتابت
 نیم تجزیه یافته است معنی فرورده دفیره کتابت
 رسائل است معنی راز دفیره کتابت راز و
 ترجمه است معنی دین دفیره کتابت دین است
 و با این کتابت سینه شند قرائت و کتب دینی خود را.
 معنی و سفس دفیره جامع الکتابات است و
 آن کتابتی بوده شامل لغات امم از روم و قبط
 و بربر و هند و چین و ترک و نبط و عرب.
 کتابت عامه از میان آنها با بیت و هشت قلم
 رسم میشد و برای هر قلمی از آنها نام جداگانه ای
 بود چنانکه گفته میشود در خط عربی و خط تجاوید
 و خط تحریر و خط تعلیق. »
 « صناعت کتابت نامهای مختلفی داشته لازم
 فنون طبقات اعمال و بیشتر آن نامها فراموش

شده و آنچه از آنها بیاد مانده این است دادد فیره شمر
 همارد فیره کده همارد فیره کج همارد فیره آهر همار
 د فیره آتشان همارد فیره روائکان همارد فیره
 اما داد فیره کتابت احکام واقفیه است
 شمر همارد فیره بیت الخراج است
 کده همارد فیره کتابت حسابهای دار الملک است
 کج همارد فیره کتابت خزائن است
 آهر همارد فیره کتابت اصطبلات است
 آتشان همارد فیره کتابت حسابهای آتش است
 روائکان همارد فیره کتابت وقف هاست
 کتابتهای دیگر هم بوده است که اسماء آنها مندرس شده
 و روشن نیست. در نوشتن این هفت نوع کتابت را
 بکار میبردند چنانکه در سخن گفتن نیز پنج زبان بکار
 میرفت « تا اینجا حکایت زردشت پور
 آذر خور معروف به محمد متوکلی میباشد .
 « فارسیان نیز کتابت دیگری بنام کتابت محمدا شتهند
 این را شلمقانی حکایت میکند و متوکلی از این کتابت خبر نداشت .»

ترجمه از فهرست ابن ندیم که در ۳۷۷ هجری تألیف شده :
 « عبدالله بن مقفع [وفات ۱۴۴ هجری] گفت فارسیان
 دارای هفت کتابت بودند : از آنهاست کتابت دین و
 ناسیده میشود دین دفتریه و با آن اوستار امینولیند.
 کتابت دیگری ویش دبیریه گفته میشود و آن سیمه و شمش

و پنج حرف بود. با آن فراست و زجر و شر شر آب و
 طنین گوش و اشاره های چشم و ایما و غمزه و مانند اینها
 مینوشتند . « صاحب فهرست گوید : « کسی از این قلم
 دستش نیفتاد و از فارسیان کسی امروز نمیتواند آرا بنویسد .
 اما مؤبد را از آن پرسیدم گفت آری بکار میرود برای
 ترجمه چنانکه در کتابت عربی تراجمی موجود است .
 کتابت دیگر کتج گفته میشود و آن بهیت و هشت حرف است .
 با آن نوشته میشود عمود و مؤامرات و قطع . همچنین
 فارسیان با این کتابت روی انگشته و حاشیه لباس و روی
 فرشها و سکه های دینار و درهم نقش میکردند . « اینست
 نمونه ای از آن . « [در اینجا نمونه ای از این کتابت داده است]
 « کتابت دیگر نیم کتج گفته میشود و آن بهیت و هشت
 حرف است . با آن طب و فلسفه نوشته میشود . این
 است نمونه ای از آن . « [در اینجا نمونه ای از این کتابت داده است]
 « کتابت دیگر شاه دبیره گفته میشود . با این کتابت
 شاعران عجم تکلم میکردند میان خودشان ولی نه با عوام
 و منخ میکردند از آن سایر مردمان کشور را از ترس اینکه
 سباده آگاه شود از اسرار شاعران کسی که شاه نیست .
 بدست مانیفتاد . کتابت رسائل چنانکه بر زبان

(۱) این جمله میرساند که چرا روی سکه ها و آثار قدیمه حروف دین دبیره
 یافت نمیشود زیرا این خط مذهبی فقط برای ضبط آهنگ سرودهای
 مقدس بوده است .

جاریت و در آن نقطه نیت. برخی از آنها بزبان سریانی
اولی که اهل بابل به آن گفتگو میکردند نوشته میشد و خوانده
میشد بفارسی. عدد حروفش سی و سه حرف است.
نامه دبیره و هام دبیره گفته میشود و آن برای سایر
اصناف کشور بجز شائنت فقط و این نمونه ای از
آنت است. «در اینجا نمونه ای از این کتابت داده است. [
«د کتابت دیگر راز سمویه گفته میشود. پادشاهان با
آن رازهای خود را مینوشتند با هر کس از سایر امام.
عدد حروف و اصواتش چهل حرف است و هر حرفی
از حروف و اصوات صورت محرومی دارد و در آن
لغت بنطی نیت. و ایشان کتابت دیگریست
که داس سمویه گفته میشود. با آن فلسفه و منطق
نوشته میشود و آنرا بیت و چهار حرف است. نقطه
دارد. بدست مانیفاده است.»

تجوید در ایران و هند

از چندین قرن پیش از میلاد در ایران و هند ادعیه و سرودهای
مذهبی را با زمزمه یا آهنگ میخواندند. این طرز خواندن را مردم
این دو کشور از پیشوایان دینی خود با علاقه مندی بسیار میآموختند
زیرا که عقیده داشتند که اگر سخنهای مقدس با تلفظ صحیح قدیمی و
زیبای خود ادا نشود تا شیری ندارد و این عقیده و عادت در ایران
و هند بهمان روش دیرینه خود در کنار بتکده ها و صحن مسجد ها
معمول است.

علمی که در آن از مقاطع دهان و حروف بجا و مخرج و صفات
هر حرف بحث میکند علم تجوید مینامند و کتب ب نظر این علم که از
پانزده تا پنج قرن پیش از میلاد در هند نوشته شده خوشبختانه
از میان نرفته است.

قبل از اسلام در ایران بعلاوه علم تجوید حروف محسوسی
برای ضبط زمزمه یا قرائت کتب مذهبی داشته اند. تماسفانه
بجز حروف آن الفبای آهنگی و ترتیب علمی ب نظر آن و علامات
تجوید و برخی اصطلاحات و مدارک تاریخی از کتب اصلی این علم
چیزی بدست مانیا فزاده است.

کتابهای تجوید قبل از اسلام مانند اصل کلید و دست و
هزار افسانه و صد کتاب دیگر در فتنه عرب و مغول از میان
رفته ولی محتویات آنها بجز و فارسی محفوظ مانده است.

تجوید بعد از اسلام

اولین علمی که به تقلید عادات مذهبی قدیم بجز ترجمه شده
علم تجوید است ولی چون تجوید از علوم سری مذهبی و در ایران
مستصر به یک دسته مخصوص بوده مسلمانان جز معلومات سطحی
از آن چیز دیگری نتوانسته اند کسب کنند زیرا اگر با اصول این
علم کاملاً آشنا داشتند میتوانستند خط تجوید داشته باشند
و مجبور نشوند برای قرائت هر کلمه ای شرح جداگانه ای در
کتابهای مفصل خود بنویسند.

از قراریکه نوشته اند در زمان حجاج بن یوسف در عراق
اختلافات خوبی میان مسلمانان در قرائت آیات قرآنی

پیدا شد. برای جلوگیری از اختلافات حجاج از کتابهای ایرانی خود استمداد جست و در همین موقع است که حروف محجم کوفی که بعداً به آن اشاره خواهد شد از خطوط قدیم ایران اقتباس گردید. از ترتیب تجویدی آیات و عصریکه در آن قرار داده نشود نما کردند و مدارک تاریخی دیگر ظاهر است که علم تجوید در حدود هشتاد هجری در میان مسلمانان رواج گرفته است.

خلاصه مسلمانان ایران با سوابقی که از کتب دینی باستانه داشتند در تقسیم و تنظیم آهنگی آیات و نقل و تعریبات اصطلاحاً خدمت شایان انجام دادند و کلمات آی سوریه جزو... که همه کلمات دخیل میباشند و بسیاری از اصطلاحات و آثار دیگر تقلید از گذشته را میرساند!

کتابهای تجوید

چون در مدت قرنهای بسیار اصول علم تجوید تغییر اساسی نکرده است و تقریباً همه مولفین کتابهای خود را از هم استنسخ کرده اند لازم نیست یک کتاب و یا یک نسخه مخصوصی را زمینه نقل قرار دهیم.

هر چند طرز تقسیم بندی و سبک تعبیر کتابهای تجوید با هم اختلاف دارد و اغلاط و افتادگیهای بسیاری در نسخه های خطی

(۱) سبراله در اول سوریه و مقایسه لقره و گوشورون و شان رول سوریه یوسف و ترتیب تجویدی آیات یکی از مباحث تاریخی است که باید در رساله عبدالکانه در آن بحث کرد.

و چاپی دیده میشود ولی آن اختلافات و اغلاط بهیچوجه تأثیری در موضوع بحث ما نخواهد داشت زیرا مقصود ما در این رساله تصحیح و تنظیم کتب تجوید نیست بلکه میخواهیم نشان دهیم که در ایران و هند قبل از میلاد به مخارج و مقاطع حروف بهجا آشنائی داشتند و شکل حروف الفبای ایران برای ضبط صدا و آهنگ از روی مقاطع دهان گرفته شده است.

شرح چند اصطلاح مهم

تجوید: تجوید در لغت خوب کردن است و در اصطلاح ادا کردن هر حرف را از مخرج که مخصوص است با صفاتی که مخصوص اند به آن حرف تا ممتاز شوند حروف متقاربه که نزدیک اند با هم در مخرج و حروف متجانسه که مستخدمند در مخرج و متغایرنند در صفت.

ملاحظه: کلمه تجوید که در عربی از اصل جاد است به معنی صوت و صدای در قرآن بکار نرفته و معانی لغوی آن با معنی اصطلاحی هیچگونه ربطی ندارد. حقیقت اینست که کلمه جاد معرب کلمات بسیار است یعنی خواندن با آهنگ.

حرف: مقصود از حرف حرف هجا است. اینکه حرف را حرف گویند برای اینست که حد منقطع صوت و پایان و کنار آنست.

ملاحظه: هر چند این تعریف مبهم است ولی با وجود این برای حرف چنین تعریفی در هیچ زبانی نیست. حقیقت اینست که حرف و هجا هر دو به این معنی معرب اند و معنی ترکیبی هر دو صدای منقطع است.

مخرج: خروج حرف موضعیت که آن حرف از آن بیرون می آید و
طریقه شناختن وی آنست که آن حرف را ساکن گردانند و بهره بر
سروی افزایند و تلفظ کنند پس هر موضعی که آن حرف بر آن
قرار گیرد مخرج حرف است.

ملاحظه: از روی این تعریف مهم میتوان برای هر حرفی شکلی رسم کرد
و حرف قرارداد.

مخرج و مقطع و حرف و صوت: در کتابهای تجوید دو کلمه
مخرج و مقطع تقریباً برادف هم بکار رفته اند و بهین سبب ملاحظه
میشود که راجع به عدد مخرج حروف اختلافاتی پیدا شده و آنها را
از نه تا هفده نوشته اند. و نیز دو کلمه حرف و صوت بجای
هم استعمال شده اند. نظیر این اشتباهات در کتبی که از یونانی
عربی و از عربی بلاتین ترجمه شده مشاهده میشود که باعث اختلافات
زیادی گردیده است.

سخنی علم تجوید

تجوید یکی از سخت ترین علوم عملی است و اگر کسی سن مقفی
و استعداد موسیقی نداشته باشد به چوخت موفق بفرافتن آن نمیشود.
برای نشان دادن سختی این علم عبارت ذیل از کتابهای تجوید
نقل میشود:

« بدانکه لحن بر دو قسم است لحن جلی و لحن خفی
لحن جلی آنست که در کلمه یا در اعراب آن تغییری واقع شود
چنانکه همه کس را معلوم باشد. لحن خفی آنست که حرف از
مخرج خود ادا نشود و یا خللی در صفات وی حاصل شود و این
معلوم نشود مگر کسیرا که فرا گرفته باشد این فن را از استاد ما هر دو

مدت مدید تعب کشیده و در ادائی اشام و اتقان و تحقیق و
تسهیل و ادغام و اخفا و اختلاس و اشباع کوشیده مخرج
و صفات حروف دانسته و محافظت حدود آن کرده باشد.»

مخرج حروف هجا

در برخی از کتابهای تجوید مخرج حروف بطریق ذیل تقسیم شده
است:

- حروف تهی از سه موضع بیرون می آید: (۱) حلق -
- (۲) دهان - (۳) لب و دندان و خیشوم.
- ۱- حلق سه مخرج دارد: (۱) ابتدای حلق از جانب شش - (۲)
- میان حلق - (۳) آخر حلق.

۲- دهان ده مخرج دارد:

- چهار موضع از زبان: بن زبان - میان زبان - کنار
- زبان - سر زبان - با طازه و کام و دندان

۳- اندرون لب و سردندانهای شایای بالا - میان دو لب.

در بسیاری از کتابهای تجوید مخرج حروف را بطریق ذیل

داده اند:

بدانکه حروف تهی بیت و نه یا بیت و همت حرف

است و بر هر تقدیر مجموع اینها از هفده مخرج ادا میشود:
مخرج اول و دوم و سوم از آخر حلق است تا نزدیک زبان کوچک
و آن مخرج شش حرف است:

ء ها از آخر حلق

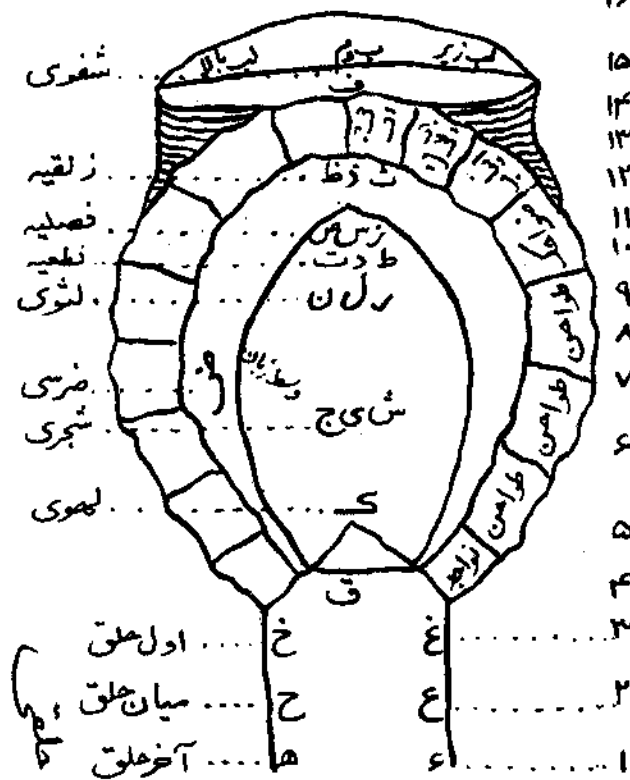
ع حا از وسط حلق
 غ خا از نزدیک زبان کوچک
 مخرج چهارم و پنجم زبان کوچک است و از آنجا دو حرف ادا میشود:
 ق ک لکن قاف از پشت زبان کوچک است و کاف از بالای آن که طرف دهن است.
 مخرج ششم هوای دهن است که مخرج حروف مدیت و از آنجا سه حرف ادا میشود:
 آ او ای
 مخرج هفتم پهنای زبان و کام بالا و از آنجا سه حرف ادا میشود:
 ج ش ی
 در وقت ادای جیم زبان بکام میچسبد و در شین و یا نمیچسبد.
 مخرج هشتم کنار زبانست باشکم دندانهای آسیای بالا و یا از طرف راست یا چپ که از آنجا صی ادا میشود.
 ملاحظه مهم: بعضی ضاد را از پهنای زبان میدانند و این تصریح در شکل ضاد و سایر حروف اطباق ص ط ظ دخالت دارد و بعد از این به آن اشاره خواهد شد.
 مخرج نهم و دهم و یازدهم گوشت پای دندانهای ثنایا و رباعیات بالا و کنار سر زبان است و از آنجا سه حرف ادا میشود:
 ل ن س
 مخرج ن بالاتر از ل و مخرج س بالاتر از ن بطوریکه قدری از پشت زبان گفته میشود.
 مخرج دوازدهم و سیزدهم تیزی زبان و نطق کام بالاست متصل به ثنایا و از آنجا سه حرف ادا میشود: تا ظ د

همچنین تیزی سر زبان و سردندانهای ثنایای بالا و از آنجا سه حرف ادا میشود: تا ظ ذ
 مخرج چهاردهم سر زبان و میان ثنایای زیرین است چنانکه اندکی کشادگی میان زبان و دندان نماید و آن مخرج نر - س - ص است.
 در وقت ادای نر سر زبان نزدیک شکم دندانهای ثنایا است و در وقت ادای ص س قدری دورتر.
 مخرج پانزدهم سردندانهای بالا و شکم لب زیرین است. از آنجا یک حرف ادا میشود: ف
 ملاحظه: در فارسی یک حرف دیگر از این مخرج ادا میشود و آن است. مخرج شانزدهم دولب است. از آنجا سه حرف ادا میشود:
 ب م و (عرب)
 ب از تری لب است و م از غلغ لب است و و از وسط لب است.
 ملاحظه: مخرج پ که نیز از لب است در اینجا ذکر شده است.
 مخرج هفدهم خیشوم است که سوراخ بینی باشد و آن مخرج م و ن ساکن است در وقت غنچه.
 ملاحظه مهم: در مخرج نهم و دهم و یازدهم ن داده شده است. همچنین در مخرج شانزدهم م داده شده است. در مخرج هفدهم هم باز م و ن داده شده است.

صفات ذاتی حروف

صفات ذاتی حروف پنج است که با ضدهش ده میشود که دو صفت از این صفات اصناد در یک حرف جمع نمیگردد:

۱۷ غیثوم است



بقولی که خارج شده است بقولی که نه مخرج است

قصر و مد

گذشته از موضوع فحارج و مقاطع حروف و صفات ذاتی و عرضی آنها که تا اینجا بطور اختصار ذکر شد در تجوید راجح به کشیدگی و کوتاهی صدا و تبدیل یا اماله برخی بدیری و همچنین طرز قرائت‌های مختلف نکات فنی بسیاریست که با کمال اختصار به آنها اشاره می‌شود. کشیدگی و کوتاهی : اگر مدائی مقدار کشیدگی آن واحد طبیعی فرض شود سه صدای کشیده تر و سه صدای کوتاه تر از واحد طبیعی در هنگام قرائت بکار برود که اساسی اصطلاحی آنها به ترتیب اینست :

سه صدای کشیده : مد طول توسط

واحد طبیعی : قصر

سه صدای کوتاه : اختلاس روم اشمام

بعد از اسلام مقدار کشیدگی صداه را با انگشت حساب میکردند و برای آن حروف و علامتی نداشتند .

در خط اوستا برای نشان دادن صدای کشیده حرف را با ارقام هندسی ترکیب میکردند و حروف تازه‌ای می‌ساختند که شرح آن بعد داده میشود . برای صدای کوتاهی هم علامت مخصوصی داشتند . وجود این علامات در کتب تجوید تصریح شده و حروف مخصوصی هم در خط اوستا وجود دارد ولی تشخیص آنها برای اختلاس و روم کاری عملی است که بعد باید در آن بحث و تحقیق فنی کرد .

طرز قرائت

بجز از قرائت ساده موزون که حتی الامکان در آن تلفظ کلمات و معانی آیات مراعات کامل میشده برای نشان دادن زیبایی آیات و تاثیر آن در نفوس اکثریت مردم که از درک معانی عاجز بودند پنج قسم قرائت دیگر وجود داشته است :

- ۱- ترقصین آهسته و بلند و بریده خواندن
- ۲- ترعید با آهنگ لرزان خواندن
- ۳- تطریب برای مراعات آهنگ مدیحا دادن
- ۴- تحزین سوزناک خواندن
- ۵- تحریف برای حسن آواز در کلمات تغییر دادن و از حروف آنها انداختن.

با وجودیکه آموختن موسیقی حرام بوده بیج قاری بدون اطلاع از موسیقی محال بود که بتواند از عمده قرائت های مختلف فوق بیرون بیاید.

قرا و سبحة : از هفت نفر قرا و مشهور پنج نفر ایرانی بودند. این کثیر فارسی که وفاتش در سال ۱۲۰ هجری است رئیس و پیشوای این فن محسوب میشود و آخرین ایشان نیز بهمن بن فیروز کسائی است که در ۱۷۹ هجری در نزدیکی شهری بدرود جهان گفته.

موسیقی در ایران

بعلاوه مدارک و آثار تاریخی بسیار و خط تجوید و اصطلاحات فارسی فنی موسیقی که نقل و تعریب آنها بجزئی ممکن نبوده در تاریخ کلیای عیسوی راجع به تنظیم سرودهای مذهبی چیزی نوشته اند

که خلاصه آن اینست :

در قرن پنجم میلادی دو نفر ایرانی برای یاد دادن سرودهای مذهبی به میلان میروند. آهنگهایی که این دو نفر در کلیسا تنظیم داده بودند بطوری موثر بوده که سنت آگوستین هنگام شنیدن آنها اشک از چشمانش روان میگرددیده است.



قطعه ذیل از آخر کتاب خلاصه الافکار فی معرفة الادوار که در قرن هفتم هجری تألیف شده و از یادگارهای موسیقی دوره ساسانیان است نقل میشود.

طریقه من نوروز فی ضرب الرمل

الصورة ١٢ ٦ ٦ ١٢ ٦ ٦ ١٢

عَلَىٰ صَبِّكُم يَا كَهَيِّن تَرْفَعُوا ۝ وَمِنْ وَصَلِكُمْ يَوْمًا عَلَيْهِ تَصَدَّقُوا ۝
وَلَا تَسْلَفُوهُ بِالصَّدُودِ فَانَهُ ۝ بِحَاذِرَانِ يَشْكُوا إِلَيْكُمْ فَتَشْفَعُوا ۝

علی صبتکم ۝ یاها ۝ کهین ۝ ترف ۝ ف قوا ۝

١٨ ١٦ ١٦ ١٢ ١٢ ١٢

نت موسیقی که در ذیل مصراع اول داده شده در سه مصراع دیگر تکرار میشود و لهذا در اینجا برای اختصار نقل نشد.

ملاحظات ذیل راجع به دو بیت فوق که نت آن در قرن هفتم هجری نوشته شده و از قدیمیترین طرز نت نویسی میباشد

قابل توجه است:

- (۱) نام آهنگ نوروز است و دو بیت عربی را برای خواندن در این آهنگ با ستانۀ باشت نوشته اند.
 - (۲) مانند خط اوستا مقدار نقرات با ارقام هندی نشان داده شده است.
 - (۳) دو علامت اوستائی ۰ و ۰۰ که برای فصل و وقف و اول و آخر جمله بکار میرفته در اینجا نیز به تقلید اسلوب قدیم بکار رفته است.
 - (۴) این علامت ۰ که در اوستا برای فصل یک کلمه از کلمه دیگر بکار میرود در اینجا برای جدا کردن یک کلمه از هم بکار رفته چنانکه در کلمه یاها کمین دیده میشود.
- از ملاحظات فوق نتیجۀ ذیل گرفته میشود:

- (۱) در نوشتن نت برای دو بیت بالا در آهنگ نوروز از علامات فصل و وقف اوستائی و ارقام هندی استفاده و تقلید شده است.
 - (۲) اگر کلمات عربی دو بیت طوری انتخاب شده بود که محل فصل در آخر خود کلمه واقع میگردد دیگر احتیاجی به تقسیم خود کلمه پیدا نمیشد. پس معلوم میشود که شاعر در وقت انشاد شعرا نظری به آهنگ نداشته و نت بعد نوشته شده است و یا نتوانسته است کلمات را مطابق نت انتخاب کند.
- با در نظر گرفتن مطالب فوق و اینکه خط اوستا خط زمره یا آهنگ بوده تصور میرود سرانیده گاترها در هنگام سرودن قطعه با توجه به آهنگ داشته و کلمات را طوری انتخاب کرده است که علامت فصل (۰) در آخر کلمه واقع شود.

ترتیب حروف الفبا

از نکات قابل توجه در تاریخ الفبا ترتیب طبیعی صدائات که یکی از کلیدهای سرساختمان حروف بشمار می آید. بطور کلی الفبای جهان دارای چهار ترتیب مختلف است: ترتیب حروف بحجم - ترتیب حروف سانسکریت - ترتیب ابجدی - ترتیب ابجدی ترتیب حروف معجم: این ترتیب با ستانۀ که تا او اخر قرن چهارم هجری رواج داشته اساسش بر پایه مقطع های حروف از حلق تا لب بوده است. این ترتیب یگانه ترتیب علمی و فنی صداء در جهانست و نظیر آن در هیچ الفبای دیده نمیشود.

چنانکه بعد از این در شرح ترتیب ابجدی ملاحظه خواهد شد شویبه برای اینکه ننگ حروف معجم را از خود بردارند ترتیب علمی مذکور را بقوه خلفای وقت و اخبار و احادیث جعلی برهم زدند

ترتیب حروف نقل از الکتاب سبویه
که در او اسطر قرن دوم هجری تالیف شده

« همزه الف ه ع ح غ خ ق ک ص
ج ش ی ل ر ن ط د ت ص ز س
ظ ذ ث ف ب م و »

اگر چه اصل این حروف بیت و نه است ولی اگر فروع این حروف هم در نظر گرفته شود زبان عربی و پنج حرف دارد و استعمال این حروف فرعی در قراآت قرآن پسندیده است.

ن خفیف همزه بین بین الف با امله شدید
ش مانند حیم ض مانند ز الف تفخیم
در صورتیکه حروف ناپسندیده را در نظر بگیریم حروف عربی چهل و

ده می شود ولی این حروف اضافی در تلفظ اشخاصی که بحر بی سخن خوب میگویند زیاد نیست و همچنین در قرائت قرآن پسندیده نمیباشد.

ك	میان	ج	وك
ج	مانند	س	ض
ص	مانند	س	ط
ظ	مانند	ث	ب

چنانکه ملاحظه شد سیبویه برای زبان عربی تا چهل و دو صد و بیشتر ذکر نموده است ولی مؤلف صبح الاعشی در جلد سوم شماره صدای عربی را تا چهل و هفت نوشته است. از این تصریحات واضح است که قاریان اسلامی تا چه اندازه میگویند که شماره صدای عربی را برای زیاده آهنگ نزدیک صدای اوستا نمایند. ترتیب کتابهای لغت عربی: خلیل بن احمد در اواسط قرن دوم هجری کتاب بنام العین در لغت تالیف کرده که اولین سند کلمات واقعی عربی بوده است. چون از قرن دوم تا چهارم کلمات بسیاری داخل زبان عربی شد گویا تحویب برای پنهان داشتن حقیقت آن کتاب مهم را از بین بردند تا کلمات داخل و معرب هم عربی جلوه دهند. ترتیب حروف معجم آن کتاب چنانکه در فهرست این تدیم نوشته شده از قرار ذیل است:

ع ح ه خ غ ق ك ج ش ض ص س ز ط
 د ت ظ ذ ث ر ل ن ف ب م و ع ی

از قرار معلوم کتابهای لغت دیگری هم با ترتیب فوق وجود داشته و اعتراضات بسیاری راجع به برهم زدن این ترتیب نیز در کتب قدیمه ملاحظه میشود.

ترتیب حروف سانسکریت: ابوریحان میگوید هندیان سرودهای دینی خود را بنویسند و گمان میکنند خط برای ضبط صدای مقدس ناقص است. این گفته تا اندازه ای صحیح است زیرا که اطلاعاتی راجع به خط تجوید در هند در دست نمیباشد.

خلاصه بعد از ترتیب حروف معجم ترتیب حروف سانسکریت بنای علمی و فنی دارد. حروف مذکور مطابق یکی از تقییمات حروف در تجوید میباشد و در آن بیشتر مراعات صفات حروف در نظر گرفته شده است زیرا که چهار حرف از حروف یوگون و همچنین حروف صفیری که در تجوید فصلی جداگانه دارد در دو دسته مرتب گردیده بدون اینکه ترتیب کلی حروف با هم مراعات شده باشد. (۱)

ترتیب ابجدی: ترتیب ابجدی و یا صحیح تر ابو جادی که اکنون در جهان معمول است ترتیبی غیر علمی و تقلیدی از نفوس خط معینی آشوری میباشد. این ترتیب با خط عبری مشهور به آشوری که واضعش برای اغراض مذهبی کوشیده تا آنرا در اسم و رسم شبیه بخط قدیمی بطوه دهد بعد از قرن دوم میلادی رواج گرفته است. (۲)

(۱) راجع به قدمت و مقاطع حروف سانسکریت و کلمات دیواناگری یا نگاری و آشوریشتی در رساله عبدالگانه بحث خواهد شد.
 (۲) راجع به تغییر خط عبرانی در قرن دوم و عقاید مسیحیان این قرن نسبت به حضرت مسیح و تاریخ ژوزیفوس و کتاب الفبای طبیعی هلمونث در رساله عبدالگانه بحث خواهد شد.

ترتیب ابتهی : این ترتیب غیر علمی که در آن فقط مراعات شکل مکتوبی حروف شده از یادگاریی تحصیلات شعوبه و خلفای عباسی است. چگونگی ترویج این ترتیب و تغییر شیوه و مطالب تاریخی مربوط را در ذیل با کمال اختصار شرح میدهم.

دیوان و خط کوفی

از زمان خلافت عمر تا فرمانداری حجاج بن یوسف یعنی تا نزدیک هشتاد هجری همه دفاتر دیوان محاسبات کوفه بزبان فارسی نوشته میشد و اصطلاحات مهم دیوان هم از قبیل دیوان دفتر فرد سیاق قلم و غیره که تا کنون معمول است کلمات فارسی میباشند.

قدیمترین سند تاریخی راجع به ترجمه دفاتر دیوان محاسبات کوفه از فارسی بعربی فتوح البلدان بلاذری است. تفصیلاً که بلاذری درباره کشته شدن زادان فروخ رئیس دیوان محاسبات کوفه نوشته نباید همین سادگی باشد زیرا که او را از شعوبه طرفداران عرب میسازند و بنا بر این در شرح پیش آمد احتمال طرفداری میرود.

آنچه محقق است اینست که در پیرامون هشتاد هجری صالح نامی از مردمان سیستان گفته است که میتواند دفتری محاسبات را از فارسی بعربی ترجمه کند.

تا زمانیکه زادان فروخ رئیس دیوان زنده بوده ترجمه دفاتر محاسبات از فارسی بعربی انجام نگرفته زیرا که او با چنین کاری مخالف بوده است ولی پس از کشته شدن

زادان فروخ در راه گذر صالح سیستان شروع به نقل و ترجمه دفاتر از فارسی بعربی کرده است.

مردان شاه فرزند زادان فروخ مقبول مبلغ صد هزار دینار بصالح وعده میدهد که از این کار دست بردارد ولی صالح سیستانی از او پول را نمی پذیرد.

مردان شاه از صالح می پرسد که در این نقل و ترجمه دهم و بیستم را چگونه خواهی نوشت. جواب میدهد مینویسم دهم و بیستم.

باز مردان شاه از صالح می پرسد اند را که اضافات کوراست چگونه خواهی نوشت. جواب میدهد آنرا هم خواهیم نوشت.

از این گفتگو واضح است که قبل از نقل دفاتر از فارسی بعربی برای نوشتن کسوف و اضافات طریقه و علامات مخصوصی بوده که صالح برای سهولت انجام کار چشم از آنها پوشیده است. خلاصه صالح برای پیشرفت کار قواعد عدد نویسی را برآم زده است زیرا که در عمل نه تنها ناچار بنوشتن دهم و بیستم شده بلکه مجبور شده که ده و صد و هزار را هم با حرف بنویسد.

این کار صالح مثل اینست که از کسی بپریم بجای علامت بعلاوه در جبر چه خواهی گذاشت و او جواب دهد علامت چه فایده دارد مینویسم بعلاوه یا باضافه.

چون همه دخاتر محاسبان دیوان کوفه بفارسی بوده آنها را با خط دیوانی اماردبیره مینوشتند و صالح هم از همان خط که در سراسر کشور مردم به آن آشنائی داشتند استفاده کرده است. اگر چه از اماردبیره نمونه ای تاکنون بدست نیافتاده ولی از روی قرائن میتوان گفت حروف آن بوضع طبیعی طولانی بوده است زیرا تاکنون هم در ایران محاسبین دیوانی را دراز نویس میگویند.

چون در قرن اخیر علما و تجار عمیقاً ساز مدارک تاریخی بسیاری جعل کرده اند که از شیوه و رسم الخط آنها شواهد جعل آشکار است لهذا ما در اینجا حروف کوفی دو کتیبه لاجیم و ابرقوراکه در کتاب آثار ایوان چاپ شده زینت مقایسه قرار میدهم. دو کتیبه مذکور که در اوایل قرن پنجم هجری نوشته شده از معتبرترین اسناد قدیمی شیوه خط کوفی بشمار میآید.

چنانکه از مطالب بعد واضح خواهد شد بسیاری از آثار خط کوفی اصلی را بواسطه شباهت با خط قدیم ایران حتی در قرن سوم و چهارم هجری از بین برده اند و برخی نمونه های کوفی قرن پنجم هجری نیز بنظر رسیده که در آن سعی شده حروف عبرانی را بشیوه کوفی داخل خط کنند.

مقایسه حروف کوفی با اوستا
(از روی کتیبه لاجیم)

اوستا	کوفی	اوستا	کوفی
ا	ا	ا	ا
ه	ه	ه	ه
ح	ح	ح	ح
س	س	س	س
و	و	و	و

ملاحظات:

- ۱- حروف فوق حروف اصلی به نقطه خط کوفی است. برای اطلاعات بیشتری رجوع شود بمقاطع حروف اوستا در آفراین بخش.
- ۲- در پرستی که ابن ندیم از امام موسی راجع به ویسپ دیده میکند امام موسی میگوید از حروف تراجم در خط عربی وجود دارد. حروف به نقطه ذیل ح س ک خ ه مخصوص اصوات خارجی است و در شرح مقطعی الفبای ایران که در آخر این بخش میباشد به آن اشاره شده است.
- ۳- راجع به همزه و غین نیز در شرح مقطعی الفبای ایران مختصری بحث شده است.

تغییر ترتیب حروف و شیوه خط

اسم حروف بحجم بجای الفبا و ترتیب تجویزی ایرانی آن و شباهت کامل حروف کوفی با حروف اوستا و مخصوصاً شکل همزه و الف و نقص خط کوفی از موضوعهای مهم جدال شوبیه در قرن سوم و چهارم هجری بوده و عاقبت منتهی به برآم زدن ترتیب حروف و تغییر شیوه خط و محو بسیاری از آثار و جعل آثار و احادیث و اخبار شده است.

از مضمون حدیث ذیل میتوان میزان اشکالات شوبیه را در مقابل حقایق تاریخی و اعتراضات مخالفین احساس کرد.

شیخ ابوالعباس بونی رحمه الله در کتاب لطائف فی اسرار الحروف المعلومات^(۱) گوید از ایزد غفاری رضی الله عنه روایت شده که گفت:

از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم یا رسول الله هر پیغمبری بچه فرستاده میشود؟ فرمودند با کتاب منزلی.

گفتم یا رسول الله چه کتابی بر آدم نازل شد؟

فرمودند اب ت ث ج الی آخر.

گفتم یا رسول الله چند حرف است؟

فرمودند بیت و نه.

گفتم یا رسول الله شهابیت و هشت شمردی.

پس رسول الله صلی الله علیه وسلم خشمگین شدند

(۱) همچنین در صبح الاعشی جلد سوم چاپ مصر.

چندانکه دو چشمشان سرخ شد و پس فرمودند ای ابا ذر قسم کبسی که مرا از روی حق به پیغمبری فرستاد خداوند نازل نکرد بر آدم مگر بیت و نه حرف.

گفتم یا رسول الله در آن الف و لام است؟

فرمودند لام الف یک حرف است و خداوند نازل کرد آنرا بر آدم در یک صحیفه ای که با آن هفتاد هزار ملک بود. کسی که مخالفت کند با لام الف به تحقیق کافر شده است به آنچه بر آدم نازل شده و کسی که نشاند لام الف را پس او از من بیزار است و من از او بیزارم و کسی که ایمان نداشته باشد که حروف بیت و نه است مکانش از آتش بیرون نخواهد آمد.

چون همه دانشمندان با تغییر ترتیب حروف بحجم و شیوه خط مخالف بودند حدیث فوق برای بستن زبان مخالفین جعل شده و خلفای وقت از روی تعصب در این کار با شوبیه مساعدتهای بسیاری در حکم و جعل آثار کردند.

هر چند خلفا و شوبیه بقوه احادیث و اخبار جعلی موفق به تغییر ترتیب حروف و شیوه خط کوفی شدند ولی سأل همزه و الف لا ینجل ماند.

در خط کوفی مانند خط اوستا الف یا همزه را این طور لا مینوشتند که بعد از تغییر شیوه خط لام الف خوانده میشده. این حرف لا در کلمه الله که در خط کوفی اینطور لا لله نوشته میشده دوبار بکار رفته و محو و حک آن به آسانی ممکن نبوده است و بهیچ جهت

در کلیه کتا بهای تجوید و غیره در موضوع این حرف مطالب سببی نوشته اند که دلیل بر حیرت مولفین در حل اشکال است ولی در المقتنع خواهی نخواهی اقرار شده که این حرف در اصل شبیه به حرف اعاجم بوده است.

اسامی حروف

تا چهار سال پیش گمان میرفت که نامهای برخی از حروف نامهای نقوشی است که از قدیم معمول بوده ولی در نتیجه تحقیقات مطالب دیگری روشن شد که به خلاصه آن در ذیل اشاره میشود.

در تجوید هر یک از حروف دارای صفاتی از قبیل شدت و رخوت میباشد که شرحش با کمال اختصار گذشت. برخی از حروف بغیر از صفات تجویدی صفات دیگری دارند مانند کاف کوفی کاف سرکج نون کشکولی ه و چشم ه گرده ه گرده
در اسامی فوق مخصوصاً در دو اسم ه گرده و ه گرده ملاحظه میشود که صفتی که به ه و ه اضافه شده صفت مشتاقی است و میتوان آنرا صفت تحریری حرف نامید.

اسامی چهار حرف ذیل در یونانی

ῥ μέγα ὀ μικρόν ἔ ψιλόν ἔ ψιλόν
و اسم این حرف در لاتین i-grek واضح است که مرکب است از حرف و صفت آن حرف خواه صفت تجویدی یا تحریری تصور شود.

همچنین اصطلاح "حروف بزرگ" و "حروف کوچک" در الفبای اروپائی از اصطلاحات مشتاقی یا تحریری است.

پس از مقدمات مختصر فوق میگوئیم که حرف بحجم را به دسته تقسیم کرده اند: معروری ملفوظی ملبوبی یا مکتوبی. حروف معروری: دسته اول از حروف بحجم را معروری گویند. معنی این اصطلاح تاکنون برای نگارنده روشن نیست. اسامی حروف این دسته مرکب است از خود حرف و صدائیکه در آخر آن برای سهولت تلفظ گذاشته اند: باء تاء حاء خاء راء طاء "طاء" ظاء فاء هاء یاء .

در الفبای سانکریت نیز اسامی حروف همین طور است. سیبویه در الکتاب به اضافه کردن صدائی برای سهولت تلفظ تصریح کرده است. این تصریح اهمیت دارد زیرا که می بینیم دوازده قرن پیش از چگونگی ساختمان و وجه تسمیه این دسته از حروف اطلاع داشته اند.

حروف ملفوظی: دسته دوم از حروف بحجم را ملفوظی خوانند و آنها از این قرارند: الف جیم دال ذال سین شین صاد ضاد عین غین قاف کاف لام .

از معنی اصطلاح مهم "ملفوظی" ظاهراًست که اسامی این دسته از حروف باید با صفت تلفظی آنها ارتباط داشته باشد. در عمل هم احتیاج به چنین اصطلاحات فنی پیدا میشود زیرا چنانکه سیبویه اشاره کرده اگر در قرائت "کاف میانه جیم و کاف" و

(۱) در فارسی این دو حرف را طین و طین برون عین و غین تلفظ میکنند.

"هم مانند شین" ... و غیره وجود داشته باشد برای فرق و تمیز تلفظ چنین
حرفی از هم اسامی اصطلاحی مخصوص لازم است .

نظیر این احتیاج در صفات مشتاقی حروف نیز دیده شد زیرا که
اصطلاح "ه گرده" برای تمیز شکل این حرف از "ه دو چشم" وضع شده است .
خلاصه اسامی این دسته از حروف مرکب است از خود حروف
و یکی از صفات تلفظی آن و سبب اینکه در کتابهای مفصل تجوید از
معانی این حروف اسمی برده نشده اینست که صفت چسبیده بخوف
از کلمات متروک باستانی است و بعد از اسلام کسی از معانی آنها
اطلاعی نداشته و اگر هم از معانی واقعی آنها اطلاعی داشته اند هنوز بدست ما نرسیده .
بحث در معانی ترکیبی این حروف با کلیه احتمالات که در چند
مورد می رود از گنجایش این مختصر بیرونست ولی برای نمونه معنی
ترکیبی دو حرف را در ذیل می دهم .

همزه : نکته قابل ملاحظه اینست که نام این حرف در اسامی
حروف تلفظی که تا کنون بنظر رسیده دیده نشده است و لهذا
بیشتر این اسم از لحاظ تحریری اصطلاح شده . این اسم مانند
"ا- یگا" در یونانی که معنی آن "ا- بزرگ" میباشد ساخته
شده است . ۶۵۵ در ادستا و ۴۶۲ در یونانی
از یک ریشه و دارای یک معنی میباشد . از اینقرار معنی ترکیبی
کلمه همزه "ه یا ه بزرگ" است و شاید در قدیم آنرا اینطور
۶۵۶ می نوشتند .

الف : این اسم مرکب است از ا و یکی از صفات تلفظی
آن "لف" . لف از ریشه آریامی- *leip* بمعنی "فربه چرب
دار - سفیم" میباشد . از این ریشه در هندی باستانی *lip* و

در یونانی λῖπός و در فارسی لپیا آمده است .

خلاصه زمینه بحث و تحقیق راجع به اشتقاق و معانی اسامی
حروف اینست و تا آنجا نیکه تحقیق کرده ایم معانی صفاتی که بخوف
چسبیده اند از قرار ذیل است : چرب یا سفیم - سخت - فشرده
مشدد - بزرگ - بسته . امید است بررسیهای آینده و تقابله
میان اصطلاحات تجوید ایرانی و هندی مطالب مهم دیگری را روشن کند .
این نکته را نیز در اینجا اضافه میکنیم که اگر در مقابل کلمه "مفحی"
در کتب تجوید فربه را نگذاشته بودند برای ما پس از چندین قرن
ممکن نبود به آسانی قبول کنیم که فربه یا چرب از صفات حروف میباشد .
حروف طلبوی یا مکتوبی : دسته سوم از حروف محجم را طلبوی
یا مکتوبی گویند و حروف این دسته سه است : میم - فون - واو .
معنی این اصطلاح روشن نیست و نیز معلوم نیست که آیا
طلبوی اصلاً مکتوب بوده و سرکش کاف افتاده و یا سرکش مکتوب
اضافی است و اصلاً طلبوی بوده است . بعلاوه چون بیشتر اصطلاحات
تجوید دخیل و سحر است معانی ریشه های آنها هم با معنی اصطلاحی
آنها در عربی ربطی ندارد و ببردن به حقیقت چندان آسان نیست .
در هر صورت با دقت در تجوید به هیچگونه شک و تردید نمیتوان ببرد
که چرا اول و آخر این سه اسم یکی است .

چون فون و میم سحرک مخربشان با فون و میم ساکن
فرق دارد لهذا هر یک از این دو حرف را در اول و آخر گذاشته اند
تا اسم شامل هر دو صدا بشود .

مخرج واو اول و واو آخر دولب است ولی هنگام
تلفظ واو اول لبها کاملاً جمع میشود و در تلفظ واو آخر کمتر از واو اول
این دو قسم واو که تلفظ آنها از هم متمایز است در لهجه های ایران زنده است .

ارقام عربی

ارقام سیاق عربی تقلید ناقصی از ارقام هندی ایران است. چون در عربی اول اعداد اثنان و اربع هزه و اول اعداد ثلاث و ثمان و تسع این حرف به نقطه و اول اعداد ست و سبع سه است و اضح ارقام عربی نتوانسته از ارقام ایران تقلید کامل کند و برای هر عددی حرفی قرار دهد بلکه مجبور شده برای رقم اربع چ چهار را که اینطور لا نوشته میشده مکتوس کند و اینطور بنویسد لا. و همچنین برای دورقم سبع و ثمان ارقام ایرانی هفت و هشت را بکار برده و برای رقم تسع حروف تا و عین را ترکیب کرده است. و نیز چون صفر بکار نبرده مجبور شده که ده و صد و هزار را با حروف بنویسد.

واحد	۱	سبع	۷
اثنان	۲	ثمان	۸
ثلاث	۳	تسع	۹
اربع	۴	عشره	۱۰
خمس	۵	مأه	۱۰۰
ست	۶	الف	۱۰۰۰

مقطعه‌های اصلی حروف الفبای ایران

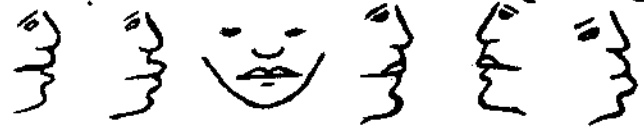
برای بحث در مقطعه‌های حروف الفبای ایران باید راه عملی پیش گرفت زیرا با مراجعه بمدارک مشکوک و نصوص تاریخی که از روی عدم اطلاع یا اغراض یا فانه یا شایعات افواهی نوشته شده نتیجه بدست نخواهد آمد.

تنها راه عملی اینست اشخاصیکه از تجوید و رسم و تشریح دعان اطلاع کامل داشته باشند کلیه مقطعه‌های ممکنه طبیعی و گشته و نیم گشته را رسم کنند و بعد آنها را بکودکانی بدینند که تمیز بنویسند و نتیجه را با اصل مقایسه نمایند. چنین آزمایش و مقایسه ای از سالهای دراز کار و کوشش در راه کشف حقیقت ساختمان حروف بهتر است زیرا کودکانی که هنوز دستان برای نوشتن محکم نیست اشکالی از حروف رسم خواهند کرد که رسم آنها برای کسی که از موضوع اطلاع دارد با هزاران شک و تردید ممکن نمیشود. مخصوصاً باید توجه خاصی به مقطعه‌های گشته کرد زیرا در تاریخ خط ملاحظه شد که در قدیم مقطع گشته و نیم گشته هر دو وجود داشته است.

اشکالی را که در ذیل میان دو قلاب [] رسم میکنیم در حروف الفبای ایران که تا کنون بدست ما افتاده دیده نشده و فقط برای نشان دادن وضع طبیعی حروف رسم میکنیم.

ب ب

این دو حرف مخرجشان لب است. در حروف الفبای ایران مقطع ای ذیل از لب یافت میشود که همه ب یا پ تلفظ میشوند:



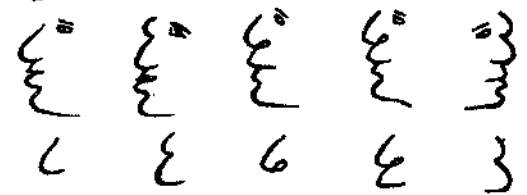
وضع طبیعی	[ب]	[ص]	[ح]	[ب]
گشته و نیم گشته	ب	ص	ح	ب
	۶	۷	۸	۹

ملاحظه: یکی از مخارج م لب است. لهذا اشکال ذیل نیز برای م دیده میشود که همه مقطعیهای گشته لب بلاست:

وضع طبیعی	[م]	[ص]	[ح]	[م]
گشته و نیم گشته	م	ص	ح	م
	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳

ن م

یکی از مخارجیهای این دو حرف بینی است که آنرا غیشوم گویند. در حروف الفبای ایران مقطعیهای ذیل از بینی برای این دو حرف دیده میشود:

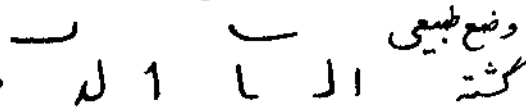


ل ر ن

مخرج این سه حرف زبانت در حالتیکه سر آن بسوی بالا

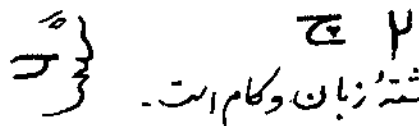
کج شده باشد. مقطع زبان که بسوی بالا کج شده باشد از نیرخ چپ در است این است: ب ب

حروف ذیل در الفبای ایران برای این سه حرف یافت میشود:

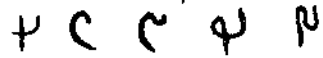


ملاحظه: چون مخرج ل از کنار زبانت این شکل ط که در کنار زبان علامت گذاشته شده اهمیت دارد.

(در آزمایشهاییکه چند ساله گذشته برای بدست آوردن شکل حروف شد یک پسر پانزده ساله در این شکل را ح برای مقطع لام کشید که گشته آن عینا در الفبای پهلوی موجود است)



این حرف مقطع گشته زبان و کام است. این حرف در هنگام تمدن نویسی به صورتهای ذیل نوشته میشود:



ملاحظه: چون صدای ی تلفظهای مختلف دارد لهذا حروف چندی برای این صدا در الفبای ایران دیده میشود. صدای ی ش چ ج در مخرج متحدند و لهذا مقطعیهای آنها هم شبیه هم میباشند.

ح ی

این حرف مانند مقطع بلاست ولی از نیرخ معکوس گرفته شده. در تجوید تصریح شده که هنگام تلفظ این صدا زبان از کام دورتر میباشد و این حقیقت از شکل این حرف در خطوط قدیم ظاهر است.

۶۰
 صلح زبان که آنرا در تجوید شجر میگویند و مقطعش دو شکل
 ذیل است $\text{C} \text{C}$ در تلفظ چندین حرف در خط اوستا
 و کوفی و دیواناگری (سانکریت) دخالت دارد.
 C این شکل در اوستا و کوفی می است.
 C این دو شکل در خط کوفی ص ض ط ظ میباشند.
 C این شکل نون زبان در خط دیواناگری است.

۶۱
 این حرف مقطع گشته علاوه بر زبانست. C
 صدای مقطع فرق مانند تلفظ قاف در جنوب ایران است که
 صدائیت میانه قاف و خاء و کاف. بهین سبب
 ریشه های اوستا که دارای این حرف میباشند در زبانهای
 ایران بصورت ق یا خ یا ک درآمده اند. مثلاً
 ۹ د ۳ در فارسی بصورت کذن و خندق و قنات درآمده است.

۶۲
 این حرف مرکب است از مقطع نیمرخ یک دندان و مقطع
 کام و زبان.
 مقطع نیمرخ یک دندان C
 مقطع گشته کام و زبان C
 ترکیب این دو مقطع C
 اگر این شکل مرکب را صد و هشتاد و سه بجز غایم به اینصورت Ch
 درمی آید که در الفبای اروپائی C یا C خوانده میشود.

ملاحظه: صدای C ماکنت از سر زبان و وسط آن بادندانهایی
 گشاده و بسته خفیف و شدید ادا کرد و لهذا حروف مختلف ذیل
 در الفبای ایران یافت میشود که در بر سهیای دقیقتری در تجوید اهمیت دارد:

۶۳ $\text{C} \text{C} \text{C} \text{C}$

۶۴ $\text{C} \text{C}$

در تجوید آمده که مخرج این صدا دندانهای جفت پائین و سر
 زبان است بطوریکه میان زبان و دندان کشادگی باشد.

مقطع نیمرخ دندان زیرین C
 مقطع سر زبان که بسوی پائینی گچ شده C
 مقطع مرکب C
 معکوس این شکل C

۶۵ C


این حرف معکوس و گشته مقطع مرکب بالا است که در
 نتیجه تحقیقات دقیق تر عملاً معلوم گردید. این حرف که در
 لاتین گاهی C و گاهی C تلفظ میشود از قرن دوم میلادی
 به بعد در آن الفبا معمول شده است.




۶۶ C








شکل این حرف مرکب است. مقطع یک دندان از روبرو: C
 مقطع سر زبان: C ترکیب این دو مقطع: C
 شکل گشته مقطع: C شکل معکوس این مقطع: C
 حرف C که یک لاتین که از قرن نهم میلادی داخل الفبای

اروپا شده از این مقطع مرکب گرفته شده است.

ص ت

این حرف مقطع مرکب نیرخ زبان و یک دندان است. وضع طبیعی مقطع این است: 

ملاحظه: کودکان این حرف را در آزمایشهای تند نویسی به سه صورت ذیل نوشتند:   


اگر این حروف را بچرخانیم بصورتهای ذیل دربیاید:    از اینجا مشابهاً   و   که دو مخرج مختلف دارند واضح میشود.


بموجب شرحی که در تجوید داده شد حروف ذیل مقطعی مرکب و گشته زبان و دندان از نیرخ میباشند:


۲ ف ۳ و ۴ وا

ها و (فارسی)


شکل این حرف مقطع گشته و مرکب دندان و لب زیرین است.

مقطع یک دندان از نیرخ 

مقطع لب زیرین از نیرخ 

ترکیب دو مقطع 

ها این شکل واو هم که در نسخهای خطی دیده میشود نیز مرکب است از دندان و بیرون لب که متصل بچانه میشود.

در خطوط قدیم هم تلفظ واقعی این حرف  و میباشند ب.

ه ف


این حرف هم سکوس حرف فا و است و با آن از یک مخرج ادا میشود.

ح و (عربی)

این صدا از برهم نشستن دو لب بیرون می آید.

ملاحظه: در تلفظ واو اول لبها کاملاً جمع میشود

در تلفظ واو آخر لبها کمتر جمع میشود و لهذا مقطع واو آخر که

دو شکل از آن در حروف دیده میشود در ضمن شرح مقطع  داده خواهد شد.

حرف ایگای یونانی  نیز گشته این مقطع است.

ه هززه یعنی ه بزرگ

هززه اولین صدائیت که از جهت نشش بیرون می آید و این صدای بریده نزدیک به صدای ه و آ می باشد.

همچنین مخرج صدای غین فارسی طهران و اطراف نزدیک

باین صداست و لهذا در خطوط قدیم ایران شکل حرف آن

سکوس شکل حرف هززه است: 

در الفبای دیواناگری (سانکرت) نیز شکل غین شبیه به هززه است.

ملاحظه: مقطعیهای حروف مصوتة اوستا مانند سایر حروف اوستا

که تا اینجا شرح داده شد واضح است ولی مقدار طول هر صدا

و تبدیل آنها بهم هنگام قرائت بطوریکه در سباحت تصور مد

و اماله مشروح است موضوعی کاملاً فنی و عملی و مشکل تفصیلات

از گنجایش این رساله بیرونست.

۱. ۴

این حرف مقطع هلال ته گلو و زبان کوچک است. وضع طبیعی این مقطع این است: ۸. در قدیمترین آثار خط فنیقی این مقطع با وضع طبیعی داده شده است.

د آ

این حرف مقطع ته گلو از نیرخ است. وضع طبیعی حرف در شکل مقابل نموده شده. این شکل در تند نویسی به این شکل در می آید: لا. چون مخرج این حرف با الف نزدیک است شرح راجع به الف بابینز کاملاً در نظر گرفته شود.

۳ ۲

این حرف مقطع گشادگی دلب است هنگام ادای صدای اُ. چون کمی از خمیدگی مقطع بینی و لب بالا در این مقطع رسم شده صدای این اُ دماغی است و چنین صدای در آوازها از خوانندگان شنیده میشود.

ک ک

این دو حرف واو آخریم که در لفظ نزدیک به ط میباشد از روی مقطع فوق گرفته شده است. امکای یونانی نیز گشته این مقطع است.

اقسام الف در خط اوستا

مخرج الف بموجب تجوید تابع حرفیت که پیش از آن می آید. پس اگر حرف قبل از الف لبی باشد مخرج الف گشادگی دلب و اگر حرف قبل از الف جوفی باشد مخرج الف هوای دندان و اگر حرف قبل از الف حلقی باشد مخرج آن گلو میباشد. همچنین در هنگام قرائت با آواز و کشیدن الفها صدا از بینی و دندان هر دو خارج میشود که صدای شبیه به نون است.

۱. آ لبی

شکل این حرف مقطع دلب است و خطی که در کنار زاویه مقطع دیده میشود رقم یک و علامت قصر است.

ترکیبات این مقطع با ارقام دو سه و چهار برای صدای توسط و طول و مد که شرح آن در تجوید آمده و بعد از اسلام با انگشت حساب میکردند از قرار ذیل است:

۲ ۳ ۴

در حروف الفبای بعد از اسلام گشته و نیم گشته این حرف بصورت های ذیل دیده میشود: ۸ ۷ ۶

در خط برهمنی و همچنین در خطوط هملوی علامت قصر که رقم یک است درست در زاویه مقطع حرف قرار دارد ولی در خطوط قدیمی فنیقی علامت مذکور کم کم جای خود را تغییر داده و مقطع را قطع کرده است:

۴ ۳ ۲

لا آجوفی

شکل این حروف مقطوع زبان و کام است که فضای (ح) دغان را نشان میدهد. اشکال ذیل از این الف

در الفبای ایران دیده میشود: > < >

چون صدای این الف نزدیک به الف لبی است ترکیبات آن با ارقام هندی دیده نشده است و شاید تحقیقات آئینه مطالب دیگری را روشن کند.

ح

این شکل متقطع طبیعی حلق و زبان و کام است و یکی از مقطعه‌های مهم است. حروف بسیاری در

الفبای ایران و غیره از این متقطع گرفته شده. الفبای علقی ذیل با علامات توسط و طول و شاید در نسخه‌های قدیم اوستا یافت میشود: > < >

۵۸

این اشکال ه در خطوط بعد از اسلام از متقطع بالا گرفته شده زیرا که قریب المنحرج میباشد.

عین و عین وسط > در خطوط بعد از اسلام و همچنین در الفبای سحر و جادو از متقطع فوق است.

این حرف R که از قرن دوم میلادی در خط لاقین پیدا شده S ملاذی شبیه به صدای غ فارسی است.

این حرف P که در یونان و روسی S تلفظ میشود S ملاذیت و از همین منخرج گرفته شده.

این اشکال آلفا > < در خطوط قدیم و جدید نیز از این متقطع گرفته شده است.

> او

این حرف متقطع خشکی دولب است و چون

شکل این حرف شبیه است بمقطع > آ تشخص ترکیبات این حرف با ارقام هندی برای قصر و توسط و طول و مد کاری فنی است که باید در عمل معین شود. در هر صورت در شکل ذیل دو حالت اختلاس و قصر را نشان میدهد: > <

ای

این حرف متقطع فاصله میان زبان و کام است هنگام تلفظ ای. شکل متقطع گشته این حرف اینست: >

چون صدای دیگری برای زیبایی آهنگ در هنگام قرائت به این صدا تبدیل میگردد لهذا از اختلاس تا مد که پنج مقام مختلف این صدای مهم است در میان حروف اوستا دیده میشود:

و پ و م و س و م

حروف فوق در تند نویسی بصورت‌های ذیل در آمده:

و پ و م و س و م



لا آجوفی

شکل این حروف مقطوع زبان و کام است که فضای (ح) دغان را نشان میدهد. اشکال ذیل از این الف

در الفبای ایران دیده میشود: > < >

چون صدای این الف نزدیک به الف بی است ترکیبات آن با ارقام هندی دیده نشده است و شاید تحقیقات آئینه مطالب دیگری را روشن کند.

ح

این شکل مقطوع طبیعی حلق و زبان و کام است و یکی از مقطوعهای مهم است. حروف بسیاری در

الفبای ایران و غیره از این مقطوع گرفته شده. الفبای علقی ذیل با علامات توسط و طول و شاید در نسخه های قدیم اوستا یافت میشود: م م م م م

۵۸

این اشکال ه در خطوط بعد از اسلام از مقطوع بالا گرفته شده زیرا که قریب المنحرج میباشد.

عین و عین وسط و در خطوط بعد از اسلام و همچنین در الفبای سحر و جادو از مقطوع فوق است.

این حرف R که از قرن دوم میلادی در خط لاتین پیدا شده و ملاذی شبیه به صدای غ فارسی است.

این حرف P که در یونان و رومی تلفظ میشود و ملاذیت و از همین منحرج گرفته شده.

این اشکال آلفا > < در خطوط قدیم و جدید نیز از این مقطوع گرفته شده است.

> او

این حرف مقطوع خشکی دولب است و چون شکل این حرف شبیه است بمقطوع > آ تشخیص

ترکیبات این حرف با ارقام هندی برای قصر و توسط و طول و مد کاری فنی است که باید در عمل معین شود. در هر صورت دو شکل ذیل دو حالت اختلاس و قصر را نشان میدهد: > >

ای

این حرف مقطوع فاصله میان زبان و کام است هنگام تلفظ ای. شکل مقطوع گشته این حرف اینست: >

چون صدای دیگری برای زیبایی آهنگ در هنگام قرائت بر این صدا تبدیل میگردد لهذا از اختلاس تامد که پنج مقام مختلف این صدای مهم است در میان حروف اوستا دیده میشود:

ر پ د م م م

حروف فوق در تند نویسی بصورت های ذیل در آمده:

ر پ د م م م



ولسپ دبیره

در ابتدای بخش دوم ملاحظه شد که ایرانیان در تعیم الفباء داشته اند که آنرا ولسپ دبیره مینامیدند و دارای سیصد و شصت و پنج حرف بوده و با چنین الفباء زبانهای امم دیگر را مینوشتند.

ابن ندیم راجع به این الفباء از امام موسی پر سیده و امام موسی بن نه تنها وجود آنرا تصدیق کرده است بلکه گفته در خط عربی هم از حروف تراجم این الفباء هست.

اگر چه از ولسپ دبیره مستقیماً اثری در دست نیت ولی برخی از حروف آنرا در الفبای سحر و جادو که نمونه های چندی از آن در دست است میتوان یافت.

بعلاوه با اصول علم تجوید در رسم دقیق مقطعه ها و بکار بردن چند علامت میتوان از نو ولسپ دبیره ای ساخت که صدای مختلف هر زبان و لهجای را بتوان با آن ضبط کرد. اینک نمونه ای از چنین الفبای جهانی را با کمال اختصار در ذیل شرح میدیم.

هنگام ادای صدای آ در فارسی زبان چندان دخالتی ندارد. قطع نظر از کشیدگی و کوتاهی برای ضبط اختلاف صدای میتوان اقلاً سه شکل مختلف رسم کرد: $\text{A} \quad \text{A} \quad \text{A}$

در لهجه مازندرانی هنگام ادای این صدا کمی لبها جمع میشود و برای نشان دادن اختلاف نیز اقلاً سه قسم آ میتوان رسم کرد: $\text{A} \quad \text{A} \quad \text{A}$

اگر هنگام ادای شش قسم آ که شرح آن در بالا گذشت بن زبان بوی ملاذه بیل کند صداییکه بگوش میرسد

تغییر خواهد کرد و در این حالت میتوان مقطع بن زبان را در رسم اضافه کرد:

$\text{A} \quad \text{A} \quad \text{A} \quad \text{A} \quad \text{A}$

اگر هنگام ادای آ سر زبان بوی بالامیل کند مقطع زبان را در پایین حرف رسم میکنیم:

$\text{A} \quad \text{A} \quad \text{A} \quad \text{A} \quad \text{A}$

اختلاف صدای یاء در لهجه بواسطه راستی و کجی زبان است. در فارسی هنگام ادای این حرف زبان تقریباً راست است و در برخی زبانها کج میشود. برای نشان دادن اختلاف صدای یاء میتوان چند حرف مختلف رسم کرد:

$\text{Y} \quad \text{Y} \quad \text{Y}$

هنگام ادای کاف نقطه های مختلفی از سطح زبان به ملاذه و کام میچسبند. تغییرات این صداها را میتوان با حروف ذیل نشان داد:

$\text{K} \quad \text{K} \quad \text{K} \quad \text{K}$

با کاف های فوق میتوان تمام تلفظ های کاف را از شمال تا جنوب ایران و غیره نشان داد.



الفبا در اروپا

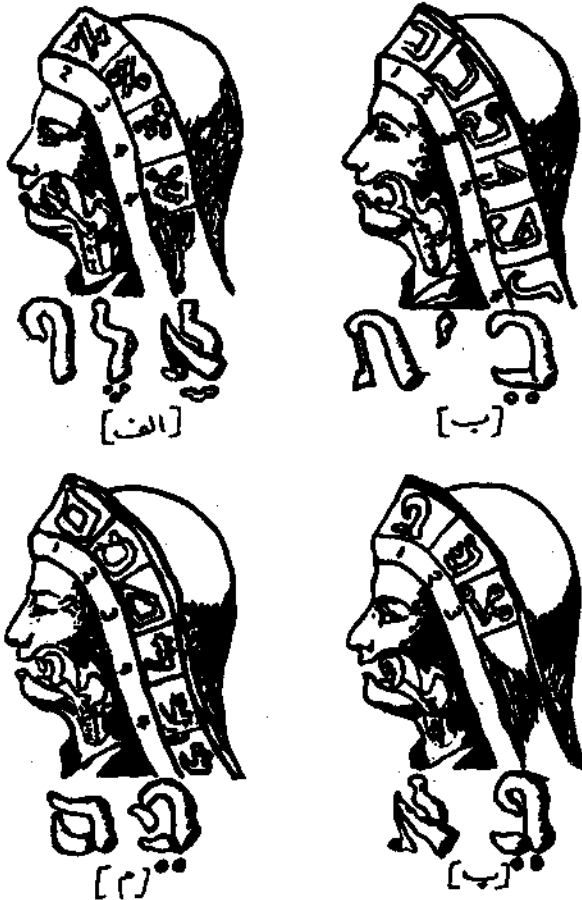
خلاصه مقالات در ساله ۱ و کتابها نیکه راجع به الفبا در سه چهار قرن گذشته نوشته اند اینست که چگونه ساختن حروف و کثوری که نخت در آنجا الفبا ساخته شده معلوم نیت .

در میان کلیه حدسیات و نظریاتیکه تا کنون در این زمینه اظهار شده چند نظریه قابل توجه و دقت است که بشرح هر یک در ذیل جداگانه بسپردازیم .

(۱) در قرن هفدهم میلادی هلمونت نامی در هلند کتابی بلاتین بنام الفبای طبیعی نوشته و در آن گفته که الفبا در بخت و از روی دنان ساخته شده است .

تنها مطلبی که از کتاب مذکور قابل توجه و دقت است موضوع ساختن الفبا از روی دنان است زیرا که معلوم میشود در چهار قرن پیش شایعات یا مدارکی راجع به این موضوع مهم وجود داشته است . بنظر نگارنده هلمونت یا بزبان عربی و فارسی آشنای داشته و یا همگیان او از مشرق چنین اطلاع مهمی را به ارشاد برای آورده اند در هر حال مالکاری باین نمارم که هلمونت در کتابهای عربی و عبری چنین اطلاعی را خوانده و یا افواها شنیده باشد ولی آنچه از کتاب و اشکال آن واضح و محقق میباشد او از اصول علم تجوید و تقاطع و مخارج و صفات حروف بکلیه اطلاع بوده و لهذا در اثبات نظریه ارتباط شکل حروف با صدا و مخصوصاً تطبیق آن با حروف عبری عاجز مانده و همین جهت در مدت چهار قرن گذشته کتاب الفبای طبیعی او مورد قبول محققین واقع نگردیده است .

برای نمونه چهار شکل از اشکال کتاب هلمونت را در صفحه مقابل میبینیم .



نقل از کتاب ALPHABETVM NATVRE

که در ۱۶۶۷ بچاپ رسیده

این شخص خیال اینکه باید همه حروف را از درون دمان رسم کرد لب و دندان و گلو... را در رسم حروف دخالت نداده است. مثلاً ب پ م که هر سه حروف لبی هستند اشکال آنها را گوشه تا از درون دمان رسم کند و نیز معلوم نیت که الف تصوری او چه صدائی از صدائی مختلف الف را دارد.

(۲) تولیو Tullio میگوید چون نظریاتی را که تاکنون راجع به الفبا اظهار کرده اند نمیتوان به شک و تردید پذیرفت لهذا احتمال دارد که حروف الفبا در نتیجه تاثیر صدا در گوش و حرکت دست پیداشده باشد. این دانشمندیس از آزمایشهای دقیق روی گوش خرگوش و بکار بردن عکاسی با برق موفق به پیداکردن یا زده حرف ذیل گردید:

ای	/	o	ı
او	√	o	∞
ن	∧	l	9
پ	∩	∩	∩

خلاصه تحقیقات فنی تولیو در سال ۱۹۳۱ انتشار یافته است و ما آنرا در مقاله بعد الگانه ای چاپ خواهیم کرد.

(۳) تازه ترین نظریه راجع به الفبا اینست که از روی خط برهمنی که موطن آن مشرق ایران قدیم میباشد گرفته شده است. در چاپ چهاردهم دائرة المعارف بریتانیا فقط در یک جمله اشاره به این نظریه شده و چون مدارک و نوشتهجاتی درباره این نظریه در دست نداریم بیش از اشاره به آن نمیتوانیم اظهار نظری کنیم.

عقیده عمده ای از محققین اینست که الفبا از فنیهای گرفته شده است. در این عقیده نیز شک و تردید دیگری راه دارد آن اینست که در زبان یونانی آیا فنیقی یک قوم معینی میباشد و یا اینکه هر اجنبی را یونانیان فنیقی میگویند؟ در هر صورت اگر این داستان حقیقت تاریخی داشته باشد چون فنیقیها از خلیج فارس بجایای دیگر مهاجرت کرده اند ممکنست حروف این الفبا را از ناحیه جنوب ایران همراه خود برده باشند. پیش از شرح مقطعیهای حروف الفبای فنیقی تذکر نکات ذیل را لازم میدانیم.

یکی از نکاتی که برای محققین اسباب اشکال فراهم کرده تلفظ واقعی حروف یونانی و فنیقی است. با وجودیکه یونانی زبانی زنده و آثار بسیاری از زبان قدیم آن در دست است بقدری در مورد تلفظ حروف اختلاف وجود دارد که بی بردن به تلفظ واقعی آنها تقریباً مجال است. در صورتیکه راجع به تلفظ واقعی حروف یونانی چنین اختلافی وجود داشته باشد واضح است که راجع به تلفظ واقعی حروف فنیقی که زبانی مرده است چه اشکالاً وجود خواهد داشت.

بعلاوه چون الفبای فنیقی ناقص است معلوم میشود که فنیقیها از سر ساختمان حروف اطلاعی نداشته اند و بهیچوقت موفق به تکمیل الفبا برای زبان خود نشدند.

در هر صورت چنانکه در مورد حروف اوستا اشاره کردیم تنها راه عملی برای کشف تلفظ واقعی حروف قدیم اینست که مقاطع حروف را از خارج رسم کنیم و کودکانی آنها را آتد بنویسند و نتیجه این آزمایش با حروف قدیم (در این مورد با حروف فنیقی) مقایسه شود.

نتیجه چنین آزمایش نه تنها سر ساختمان حروف را روشن میکند بلکه میتوانیم به تلفظ واقعی حروف در قدیم پی ببریم.

مقطعهای حروف فنیقی

حروف فنیقی	وضع طبیعی	شرح مقطع	تلفظ تقریبی اروپایی
K	K	مقطع دولب و علامت قصر در کنار مقطع و تلفظ واقعی آن آ میباشد.	a
g	g	دندان و بیرون لب زیرین و تلفظ واقعی این حرف واو فارسی است.	b, bh
g	g	گلو و خرخره و تلفظ واقعی این حرف غین فارسی است.	g, gh
Δ	Δ	سر زبان.	d, dh
ʃ	ʃ	هلال ته گلو و زبان کوچک.	h, e
ʒ	ʒ	خشکی لب و علامت قصر.	u, v, w

حروف فنیقی	وضع طبیعی	شرح مقطع	تلفظ تقریبی اروپایی
I	I	دو دندان از روبرو.	z
⊠	⊠	هلال ته گلو و زبان کوچک و زبان از روبرو.	h
⊕	+	زبان و دندانهای بالا و پایین که زبانرا قطع کرده در حالت تلفظ ث عجم. (دائره ای که گرد مقطع کشیده شده شاید برای تمیز از علامت ت بوده.)	th
ʒ	ʒ	ته گلو و خرخره از سیم رخ.	i, y
κ	κ	زبان کج شده زیر کام.	k
L	L	زبان که سرش بسوی بالا کج شده است.	l
ʋ	ʋ	دو سوراخ نمایان بینی که در تند نویسی پایین صورت درمیآید.	m
ʋ	ʋ	زبان و کام و غیشوم.	n
⊠	⊠	دندانهای شایا بالا و پایین از روبرو.	x, s
o	o	سوراخ میان دولب هنگام تلفظ آ.	o
ʒ	ʒ	لب بالا از سیم رخ.	p, ph
ʒ	ʒ	دو دندان از روبرو ولی رو به برشته. تلفظ این مقطع معلوم نیست.	ts
φ	φ	بن زبان و ملازه.	kh
q	q	بن زبان و ملازه.	r
w	w	دو دندان شایای بالا.	sh
+	+	دندانهای بالا و پایین که زبانرا قطع کرده اند.	t

ملاحظات :

(۱) الفبای لیدی مقطع هایش درست تر و واضح تر از الفبای فنیقی است و لهذا بنظر نگارنده الفبای یونانی اصلاً از روی الفبای لیدی گرفته شده است .

(۲) دسته‌ای از محققین را عقیده اینست که اصل الفبای جهان از جزیره کریت و از آنجا به فلسطین و فنیقیه منتقل شده است .

(۳) برای اینکه فقط چند حرفی از الفبای قدیم به نقوش موری در شکل شبیه است برخی اصل الفبا را از مصر تصور کرده اند با این طریقه اگر حروف هر الفبای را با اشکال نقوش پیشار چینی که در آن کشورها در تلفظ های مختلف دارد مقایسه کنیم بهتر میتوان اثبات کرد که همه الفبای از روی نقوش چینی گرفته شده است .

(۴) راجع به اینکه الفبای گرجی و ارمنی از روی الفبای ایران گرفته شده کتاب و مقالات بزبانهای اروپائی نوشته شده است .

راجع به الفبای اقوام سلاو که احداث آنها به سوزل در قرن نهم میلادی نسبت میدهند باید تحقیقات بیشتری بشود . الفبای مذکور از الفبای کامل جهان و مقاطع حروف آن صحیح و فنی است و مخصوصاً حروف ذیل بدون تغییر شکل زیاد از الفبای ایران در آن وجود دارد : ح ل ل ا و ۴

احتمال دارد اقوام سلاو مدتی پیش از قرن نهم میلادی دارای این الفبا بوده اند .

(۵) اُمم غیر آریائی که در مغرب و مشرق ایران قدیم زندگی میکردند یکی بواسطه نداشتن یا کوتاهی حروف مصوته و دیگری بواسطه داشتن حروف مصوته بسیار در تکلم نمیتوانسته اند چگونه تکلیف صداهای در دهان پی ببرند .

این مسأله کاملاً فنی است و تحقیقات فنی عملی محلی آنرا ثابت خواهد کرد . مثلاً کلمه قوب را اُمم سامی بدوی طوری تلفظ میکنند که ق مر ب بهم میچسبد و هر سه صدا مانند یک صدا بگوش میرسد زیرا حروف مصوته بلندی که سه صدا را درست از هم جدا کند در لهجای بدوی آن اقوام وجود ندارد . از اینقرار در هنگام تلفظ تشخیص مخارج حروف و رسم خطها برای آنها ممکن نبوده و چنانکه ملاحظه میشود در تمام الفبای سامی دستگاه حروف مصوته کامل وجود نداشته است .

پس چنین وجود حروف مصوته کوتاه و بلند بسیار در زبانهای چینیان مانع از پی بردن به رسم مقطع برای حروف شده است و لهذا ایشان ناچار شده اند که برای ترکیبات چند صدا که مانند یک صدا بگوش میرسد نقش جداگانه ای رسم کنند .

(۶) جدولها نیکه در مقالات و کتابهای راجع به الفبا چاپ کرده اند گمراه کننده است زیرا حرفی را که برای مقایسه در مقابل هم قرار داده اند از روی حدس و برای اثبات نظریات

خود برده است بدون اینکه تلفظ واقعی حروف را در نظر گرفته باشند. مثلاً درجه ولها این حرف صابی را h در مقابل کاف گذاشته اند. همل Hommel میگوید اگر کاف بمعنی کف دست باشد شکل صابی کاف به کف دست از شکل فنیقی K بحقیقت نزدیکتر است.

این حدس درست نیست زیرا در لهجه صابی تلفظ کاف وجود نداشته بلکه اءلی این ناحیه تاکنون کاف را چ تلفظ میکنند و لهذا شکل حرف صابی و فنیقی هر یک بجای خود درست است.

باری برای پی بردن به تلفظ واقعی حروف الفبای قدیم باید با در نظر گرفتن مقطع حرف تحقیقات محلی هم کرد زیرا چنانکه در لهجه های مختلف یک زبان حرفی به حرفی تبدیل میشوند در الفبای هم م-ب-و-د-ک-ت-س-ش-ز-ف-پ-و که اشکال مقطع های آنها بهم نزدیک است بجای هم بکار رفته اند.

~~~~~

## پایان

پس از اینکه ایرانیان بطریقه ساختن کلمات برای ادای مقاصد خود از راه ترکیب و مضاعف کردن ریشه های کوتاه و الحاق پیشوند و پسوند و تغییر و تبدیل حروف بیکدیگر پی بردند فکر و زبان و نثر و شعر در میان ایشان ترقی فوق العاده کرد.

برای ادای کلمات مقدس و سرود های مذهبی با تلفظ صحیح احتیاج بعلم تجوید پیدا شده است.

ترقی علم تجوید قاریان سرود های مقدس را به مخارج حروف و امکان رسم مقاطع آشنا کرده و در نتیجه الفباها و حروف بشمارای برای ضبط صداها و حتی آهنگهای گوناگون بوجود آمده است.

شاید اولین الفبای دینی که در ایران حروفش رسم شده بیش از چهار هزار سال قدمت داشته باشد.

در هر صورت تاکنون از علم تجوید برای آموزش کودکان و سالمندان بیسواد استفاده نشده است.

استفاده از علم تجوید و مقاطع طبیعی حروف برای آموزش کودکان ابتدا بنظر عجیب می آید و تا کسی در عمل نبیند که کودکان از این راه میتوانند در دقائق کمی خواندن را بیاموزند نمیتواند باسانی امکان آنرا باور کند.

## فهرست راهنمای نامها

|                                |                |                             |
|--------------------------------|----------------|-----------------------------|
| زردشت پور آذر خور              | ۴۹، ۴۸         | آدم                         |
| ۲۴ (محمد متو کلی)              | ۴۹، ۴۸         | اباذر غفاری                 |
| ۴۳ ژزینفوس                     | ۳۸             | ابن کثیر                    |
| ۵۱، ۴۲، ۴۱ سیبویه              | ۶۸، ۴۷، ۴۲، ۲۴ | ابن ندیم                    |
| ۶۶ سوزیل                       | ۴۸             | ابوالعباس بونی              |
| ۲۴ شلمقانی                     | ۲۳             | ابوجعفر متو کلی (محمد موبد) |
| ۴۵، ۴۴ صالح سیستانی            | ۴۳             | ابوریحان بیرونی             |
| ۲۴ عبدالله بن مقفع             | ۳۹             | اگوستین                     |
| ۴۴ عمر (خلیفه)                 | ۶۸، ۴۷، ۲۵     | اماد موبد                   |
| محمد موبد (ابوجعفر متو کلی) ۲۳ | ۴۴             | بلاذری                      |
| ۴۵ مردانشاه                    | ۳۸             | بهمن بن فیروز کسائی         |
| ۲۲، ۲۰ مسعودی                  | ۷۲             | تولیو                       |
| ۴۳ مسیح                        | ۴۴، ۲۸، ۲۷     | حجاج بن یوسف                |
| ۷۰، ۴۳ هلمونت                  | ۲۲             | حمزه اصفهانی                |
| ۷۸ همل                         | ۴۲             | خلیل بن احمد                |
| ۲۸ یوسف (سوره)                 | ۴۵ ۴۴          | زادان فرخ                   |
|                                | ۲۲، ۲۰         | زردشت                       |

# کنجینه زبان، فرهنگ و ادب کهن ایران



سازمان انتشارات فروهر

سازمان انتشارات فروهر

تهران - خیابان انقلاب - اول فلسطین جنوبی

شماره ۶ - تلفن ۶۶۲۷۰۴

۱۵۰۰

بها: ۱۵۰۰ تومان